

مشروح گفتگوی سید حسن نصرالله با شبکه العالم

به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

- ۱..... مشروح گفتگوی سید حسن نصرالله با شبکه العالم
- ۱..... به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران
- ۳..... احساس شادی و امید به آینده با یادآوری روزهای پیروزی انقلاب
- ۴..... ویژگی‌های شخصیتی امام و رهبری، یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی و پیشرفت جمهوری اسلامی
- ۵..... ایران ۴۳ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ الگوی استقلال و آزادی، قدرت بزرگ منطقه
- ۷..... آیا برای دشمنی آمریکا با ایران پایانی وجود دارد؟
- ۹..... ناتوانی آمریکا و اسرائیل از اقدام نظامی علیه ایران
- ۱۲..... تهدیدهای اسرائیل علیه حزب‌الله؛ آیا اسرائیل از واکنش حزب‌الله می‌ترسد؟
- ۱۵..... هویت حزب‌الله؛ ایرانی یا لبنانی؟
- ۱۸..... گستردگی دخالت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی آمریکا در لبنان
- ۲۱..... تأثیر تحریم‌ها بر حزب‌الله
- ۲۲..... مذاکره آمریکا با حزب‌الله؛ درخواست‌ها و امتیازها
- ۲۵..... نقش حزب‌الله در تعیین مرزهای لبنان با فلسطین اشغالی
- ۲۷..... خواسته‌های کشورهای عربی خلیج فارس از لبنان
- ۳۰..... پیامدهای عدم شرکت سعد حریری در انتخابات پارلمان لبنان
- ۳۱..... هدف حزب‌الله از شرکت در انتخابات پارلمان

- هدف اسرائیل از عادی‌سازی روابط با دولت‌های عربی، ناامید کردن مردم فلسطین ۳۲
- وسعت وحشت متجاوزان به یمن از واکنش انصارالله ۳۴
- حزب‌الله تا کی در سوریه باقی خواهد ماند؟ ۳۶
- نقش حزب‌الله در عراق ۳۷
- علی‌رغم سرکوب شدید، عزم و ارادهٔ مردم بحرین به قوت خود باقی است ۳۸

احساس شادی و امید به آینده با یادآوری روزهای پیروزی انقلاب

العالم: در آغاز از مناسبت این دیدار شروع می‌کنم ... سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جناب سید حسن نصرالله، شما با چه حس و حال و روحیه‌ای چهل و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را جشن می‌گیرید؟

سید حسن نصرالله: بسم الله الرحمن الرحيم، با عرض سلام، خوش آمدید. طبیعتاً، انسان در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، مملو از احساساتی همراه با شادی و سعادت و شور شغف بسیار است. من به خاطر دارم که در سال ۱۹۷۹ [۱۳۵۷ هجری شمسی]، کل جهان، دوست و دشمن، نهضت امام خمینی قدس سره شریف را در پاریس دنبال می‌کردند، و به نظر من زمانی که ایشان در داخل هواپیما در حال انتقال از فرانسه به تهران بودند، قلب‌های ده‌ها میلیون نفر با امام همراه بود، قلب‌های آنان با امام میان زمین و آسمان همراه بود، که آیا امام به فرودگاه تهران خواهند رسید؟ آیا هواپیما سالم به مقصد خواهد رسید؟ پس از آن چه اتفاقی خواهد افتاد؟

سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، همواره این احساسات و خاطره و برداشت‌ها را زنده می‌کند بنابراین، خوشحالی که بعد از ورود امام به فرودگاه تهران حاصل شد و استقبال میلیونی و عظیم و بی‌نظیر از ایشان صورت گرفت که در طول تاریخ بی‌همتا بوده است و سخنرانی ایشان در بهشت زهرا و آرامگاه شهدا و رویدادهایی که تا زمان اعلام پیروزی انقلاب صورت گرفت، در واقع از بارزترین و مهم‌ترین مصداق‌های یوم الله بزرگ بود. وقتی که از ایام الله سخن می‌گوییم ... این روز، از باشکوه‌ترین روزهای خداست ... وقتی که انسان، آن روز را به خاطر می‌آورد، همواره احساس شادی، شغف و امید به آینده دارد. این احساسات ماست، همانطور که احساسات همه دوستداران انقلاب است.

ویژگی‌های شخصیتی امام و رهبری، یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی و پیشرفت جمهوری اسلامی

العالم : جناب آقای نصرالله، خصوصیات رهبری در ایران از زمان امام خمینی (ره) تا زمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بارز و مشخص بوده است، خصوصیات بسیاری است که انقلاب تا کنون آن‌ها را به عنوان یک وظیفه مستمر متجلی کرده است؛ به نظر شما، بارزترین خصوصیات رهبری در ایران که به این مهم دست یافتند، چیست؟

سید حسن نصرالله: چه زمانی که درباره امام خمینی (قدس سره) صحبت می‌کنیم و چه زمانی که درباره حضرت آیت الله خامنه‌ای (دام ظلّه) سخن می‌گوییم، ویژگی‌های بارزی وجود دارد، یعنی ما اولاً با شخصی فقیه با درجه‌ای والا از فقه و اجتهاد و علم و تخصص در علوم اسلامی و در شریعت اسلامی روبرو هستیم، قبل از اینکه درباره فقیه بودن او سخن بگوییم، با انسانی مومن روبرو هستیم، انسانی با ایمان و پرهیزگار و باتقوای که تقوای خدا را دارد و جز خداوند سبحان و متعال از کسی بیم و هراس ندارد ... ایشان به مرحله فقه و عالم بودن و اندیشمند بودن و انسان حکیم بودن و انسان شجاع بودن رسیدند، بدین معنا که تدبیر و شجاعت، مهمترین ویژگی است که رهبر انقلاب در این سطح باید از آن برخوردار باشد.

دارا بودن دیدگاه یا تفکر استراتژیک، پیشینه تاریخی، افق گسترده و فراگیر هم از دیگر خصوصیات است که یک رهبر باید دارا باشد؛ نگاه ایشان فقط به شهر یا به کشور خود نیست، بلکه نگاهش همواره به کل جهان است، یعنی با پیشینه عقیدتی و ایمانی و شناخت خود، دارای قدرت بسیار در تحمل سختی‌ها و آماده فداکاری است و دارای تجربه بسیار است، ما از رهبرانی سخن می‌گوییم که دارای تجربه بسیار و فشرده هستند که صرفاً حاصل تجربه و یا تحصیل علم و دانش نیست. هیچ تردیدی نیست که شخصیت امام و شخصیت رهبری، از مهم‌ترین عوامل اساسی تاثیرگذار در پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و نیز پایداری این نظام و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران تا به امروز هستند.

ایران ۴۳ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ الگوی استقلال و آزادی، قدرت بزرگ منطقه

العالم: قطعاً، رهبری موجب نگرانی دشمنان ایران شده است، تاجایی که یکی از ژنرال‌های صهیونیستی گفته است که آنچه بیشتر از همه چیز مایه هراس ما شده، کاریزمای رهبری معنوی و منظورش رهبر کنونی ایران است ... به نظر شما، ایران امروز بعد از ۴۳ سال، در چه جایگاهی در جهان قرار دارد، جایگاهش در منطقه چگونه است، درباره این ایرانی که از ۴۳ سال پیش مورد محاصره واقع شده و با آن جنگ شده است و اکنون در این جایگاه است، چه می‌توان گفت؟

سیدحسن نصرالله: می‌توان از چند جهت به ارزیابی این مساله پرداخت .. از جنبه الگو بودن، امروز، جمهوری اسلامی ایران، که نتیجه و حاصل انقلاب اسلامی مردمی است که در ایران روی داد، الگویی برای جهان اسلام، جهان سوم و برای کل جهان است، به‌ویژه برای کشوری که دارای حاکمیت واقعی است ... می‌دانید ما مشکلی به نام مشکل حاکمیت و استقلال و آزادی در جهان سوم داریم، این شعارها در بسیاری از کشورها و برای بسیاری از ملت‌ها مطرح می‌شود، اما در زمان اجرا شدن و در عالم واقع، مسئله متفاوت است، بسیاری از حاکمیت سخن می‌گویند، درحالی‌که وابسته به سفارتخانه‌ها هستند. بسیاری از استقلال سخن می‌گویند، درحالی‌که وابسته و پیرو کشورهای خارجی هستند و منافع کشورهای بیگانه را به منافع کشورهای متبوع‌شان ترجیح می‌دهند.

وقتی که امروز از این زاویه به ایران نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که ایران، کشوری دارای حاکمیت کامل و دارای استقلال واقعی است، ایران کشوری دارای آزادی مطلق است و کسی که در ایران حکومت می‌کند، مردم ایران هستند، مردم هستند که رهبر را انتخاب می‌کنند، مردم هستند که رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند، مردم هستند که نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کنند، مردم هستند که اعضای مجلس خبرگان رهبری و اعضای شوراهای شهر و غیره را انتخاب می‌کنند؛ یک حاکمیت واقعی مردمی در ایران وجود دارد.

از سوی دیگر، همچنین از جهت الگو، ما با تجربه جالبی به نام کشور اسلامی روبرو هستیم، در جهان اسلام به همه کشورها، کشورهای اسلامی گفته می‌شود، یعنی با درنظر گرفتن و توجه به هویت که شخصی از والدین مسلمان متولد شود، اکثر مردم در این کشور مسلمان هستند، بنابراین، این کشور، کشوری اسلامی است و این تعریف با کمی ملاحظه، تعریف کشور اسلامی است، بدین معنا که حکومت اسلام را برقرار می‌کند.

در جمهوری اسلامی ایران از روز اول و از زمان امام خمینی و تا اکنون در دوران رهبری آیت الله خامنه‌ای و همین طور مسئولان و موسسات و نهادها و نخبگان و عامه مردم، تلاش مداوم برای برقراری حکومت اسلامی واقعی صورت گرفته است... قطعاً نه حضرت امام خمینی و نه حضرت آیت الله خامنه‌ای، هیچگاه مدعی نشده‌اند که آنچه در ایران داریم، اجرای کامل اسلام است، آن‌ها می‌گویند که ما همه تلاش خود را با اخلاص کامل برای اجرای دین اسلام به کار می‌گیریم و اسلام را اجرا می‌کنیم و یک کشور اسلامی واقعی را به عنوان الگو به کل جهان معرفی می‌کنیم.

اما از سوی دیگر، وقتی که از باب ارزیابی سیاسی سخن می‌گوییم، شما اکنون با یک قدرت بزرگ و مقتدر منطقه‌ای روبرو هستید و این صرفاً سخن من نیست، بلکه همه جهان با ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بزرگ تعامل و برخورد می‌کنند و ایران دارای تاثیر و حضور عمده در مسائل منطقه و نیز در سرنوشت جهان است.

با وجود همه این موارد جمهوری اسلامی از این مسائل عبور کرده است. همچنین وقتی از نظر پیشرفت به ایران می‌نگریم، بین ایران در زمان شاه در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ و ایران امروز در حوزه‌های علوم، تکنولوژی، دانشگاه‌ها (تعداد دانشجویان در داخل و خارج و در تخصص‌های علمی)، زیرساختی (همچون فرودگاه‌ها و بندرها و بزرگراه‌ها و مسکن و شهرسازی) و پیشرفت مالی بالا و در حوزه‌های خودکفایی و کشاورزی و صنایع و تجارت و موضوع صنایع نظامی و قدرت نظامی فرق زیاد را شاهد هستیم.

من در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب سخنرانی داشتم و در طول یک ساعت و نیم سخنرانی خود اطلاعاتی را جمع‌آوری کردم که از منابع ایرانی نبود بلکه از منابع سازمان ملل بود، یعنی چیزی که دنیا در خصوص درجه ایران در هر مسئله علمی و تکنولوژی و مقامی که به آن رسیده می‌گویند، امروز وقتی که دنیا از ایران صحبت می‌کند از مسئله هسته‌ای و مذاکرات هسته‌ای و مشکلات سیاسی در منطقه می‌گویند اما در طی این سال‌ها باید در خصوص نمونه انقلاب اسلامی صحبت کنیم، در خصوص نظام اسلامی و انقلاب اسلامی و اینکه رهبری حکیم و شجاع چگونه ایران را به پیشرفت رساند و ایران در همه موضوعات به چه جایگاهی رسید، توضیح این مسئله وقت زیادی را می‌خواهد و ما اینجا به اشاره چند نکته اکتفا می‌کنیم.

آیا برای دشمنی آمریکا با ایران پایانی وجود دارد؟

العالم: در هر حال جناب نصرالله شما فرمودید که در این خصوص موارد زیادی وجود دارد و می‌توان آن را مطالعه کرد اما ما امروز در مورد ایران در بین دشمنی بسیار بزرگی صحبت می‌کنیم، در راس این دشمنی‌ها ایالات متحده آمریکا قرار دارد و همانگونه که امام خمینی فرمود تمام مصیبت‌ها ما از آمریکاست و رهبر انقلاب و تمامی مسئولین در ایران به گفته امام خمینی (ره) تاکید دارند، اما سوالم از شما این است که آیا این دشمنی آمریکا با ایران دشمنی با عقیده انقلاب نظام اسلامی است یا دشمنی است که ممکن است در یک روزی با تحقق منافع آمریکا پایان یابد؟

سید حسن نصرالله: شما باید به اصل مسئله برگردید، ایران در زمان شاه توسط آمریکا اداره می‌شد، درست است که شاه و دولت شاه وجود داشت اما در آن زمان در ایرانی که بین ۳۰ تا ۳۵ میلیون جمعیت داشت، بیش از ۶۰ هزار مستشار آمریکایی در آن وجود داشت یعنی مستشاران آمریکا در همه قسمت‌ها حضور داشتند، در مسائل امنیتی، نظامی، نفت، حمل و نقل، مسکن، اقتصاد، امور مالی، فرهنگ و...

انقلاب اسلامی ایران آمد و بینید ایران انقلابی چه کرد، باید ببینیم که موضع آمریکا چه بود، در کشوری که آمریکا بر آن تسلط داشت، ثروت‌ها، نفت و گاز آن را به غارت می‌برد و آن را هرگونه که می‌خواست اداره می‌کرد، سال‌ها سعی کرد هویت عقیدتی و فرهنگی و فکری آن را تغییر دهد، غربی سازی که شاه و پدرش در تلاش برای آن بودند، می‌دانیم که شاه مزدور آمریکا بود و در خدمت اهداف آمریکا و صهیونیست‌ها در منطقه اقدام می‌کرد، ژاندارم منطقه خلیج فارس بود و تمام کشورهای منطقه خلیج فارس از او می‌ترسیدند.

امام خمینی (ره) آمد و همراه او مردم انقلابی ایران بودند، اینگونه انقلاب اسلامی ایران آمد و این نظام را سرنگون کرد و این مزدور و ۶۰ هزار مستشار را بیرون کرد، یعنی نه فقط شاه و نظام ساقط بکند و مستشاران آمریکایی را نگه دارد؛ خیر آمریکا و اسرائیل با شاه از ایران خارج شدند و برای همین انقلاب اسلامی روابط با اسرائیل را قطع کرد و سفارت اسرائیل را تعطیل کرد و تحویل سازمان آزادی‌بخش فلسطین داد.

فلسطین دارای یک سفارت شد که تاکنون فعال است، بله آمریکا به طور کامل از ایران خارج شد، یعنی به تعبیر امام (ره) دست آمریکا را در ایران قطع کردند، در هر حال مشکل آمریکا این نیست که ما نماز می‌خوانیم یا نمی‌خوانیم یا روزه می‌گیریم یا نمی‌گیریم، نه ... آمریکا ضد این نظام اسلامی است که می‌خواهد کشورش و مردمش آزاد و صاحب تصمیم‌گیری‌های خود باشد و اجازه ندهد که ثروت‌های آن به غارت برود.

اما اسلامی که نماز می‌خواند روزه می‌گیرد و به حج می‌رود و در مقابل اشغالگری سکوت می‌کند یا با اشغالگر سازش می‌کند و یا به هیمنه آمریکا تن در می‌دهد، آمریکا با آن مشکلی ندارد و این همان اسلامی است که امام خمینی آن را اسلام آمریکایی نامید، اسلامی آمریکایی این است که آمریکا با آن مشکلی ندارد، نماز بخوانید روزه بگیرید و به حج بروید، اصلاً هر ساله به حج بروید، آمریکایی‌ها با این موضوع مشکلی ندارند و مساجدی را در آمریکا ساخته‌اند و مشکلی ندارند، اما شما در قبال موضوع فلسطین و قدس و کشور و منابع کشور و امتات و تصمیم‌گیری‌ات در کجا ایستاده‌ای؟ آیا آلت دست آنها هستی؟ آیا از پیروان آنها هستید؟ یا تو بنده خدایی؟ اسلامی که تو را بنده خدا قرار می‌دهد قطعاً آمریکا با آن مشکل دارد و این همان اسلامی است که در ایران پیروز شد.

آنها (آمریکایی‌ها) وارث سنت انگلیسی‌ها هستند، انگلیسی‌ها هم در طی سالهای گذشته مشکلی ندارند که این جنبش اسلامی باشد یا لائیک یا مارکسیست، نماز می‌خواند یا روزه می‌گیرد یا نمی‌گیرد آنها به این مسائل کاری ندارند، مهم برای آنها این است که در موضوع هیمنه و تسلط و استعمار و استکبار و اشغالگری موضع‌ات چیست؟ اسلام اصیل شما را در موضع رد اشغالگری و مبارزه و جهاد و مقاومت در مقابل هر ظلم و تسلط و هیمنه و استکبار قرار می‌دهد و این اسلام قطعا با این مسائل مخالف است و این اسلامی است که امام خمینی(ره) و ملت ایران به آن ایمان داشتند و برای آن به پا خواستند و در سال ۵۷ به پیروزی رسیدند.

العالم: یعنی هیچ پایانی برای این دشمنی با آمریکا تا زمانی که نظام اسلامی در ایران وجود دارد نیست؟!

سید حسن نصرالله: ببینید در داخل ایران هم برخی به دلیل تلاش رسانه‌های خارجی به دنبال خلط مبحث هستند، می‌گویند که حمایت ایران از فلسطین و از قدس تنها دلیل دشمنی با ایران است، من می‌گویم این یکی از دلایل است، قطعا از دلایلی است که در آن شکی وجود ندارد، اما از مهم‌ترین دلایل این است که نظام اسلامی در ایران نظامی آزاده و مستقل است و سرسپردگی را بر نمی‌تابد و آلت دست آمریکا نیست و اجازه نمی‌دهد که ثروت‌های آن به غارت برود، تا زمانی که این نظام در ایران حکومت می‌کند و این رهبری وجود دارد و اراده ملت ایران اراده استقلال و آزادی و استفاده از ثروت هایش و ممانعت کردن مستکبرین از غارت ثروت است این دشمنی ادامه دارد.

ناتوانی آمریکا و اسرائیل از اقدام نظامی علیه ایران

العالم: ایالات متحد آمریکا تمام انواع جنگ‌های نظامی را از طریق صدام امتحان کرد، جنگ‌های امنیتی و ترور رهبران اقتصادی و محاصره و تحریم را امتحان کرد و شکست خورد، علیرغم این شکست به دشمنی ادامه می‌دهد، اما ما امروز در مقابل تهدیدهای رئیس جمهور آمریکا هستیم و همچنین وزارت خارجه آمریکا از گزینه‌های غیردیپلماتیک در مقابله با ایران صحبت می‌کنند، به نظر شما آیا این تهدیدهای نظامی آمریکا می‌تواند واقعی باشد و آمریکا با ایران وارد جنگ شود؟

سید حسن نصرالله: این موضوع در دوره دولت فعلی آمریکا بعید به نظر می‌رسد اما این احتمال همچنان وجود دارد، و ممکن است در زمان ترامپ این احتمال بسیار بالا بود، ترامپ تهدید به جنگ کرد و تا نزدیک جنگ مسائل منطقه را پیش برد اما به سوی جنگ نرفت، این دولت آمریکا بعید است به سوی جنگ برود، صحبت از جنگ همیشه برای جنگ روانی است و برای فشار و تهدید ایران است اما اینکه آمریکا بتواند به سوی جنگ برود، ایران دولت عادی نیست، ایران دولت قوی منطقه است که در منطقه حضور بسیار گسترده‌ای دارد و من در گذشته گفته‌ام که هر جنگی با ایران به انفجار کامل منطقه منجر خواهد شد که به هیچ وجه به نفع آمریکا نیست، علاوه بر اینها اولویت‌های فعلی آمریکا جنگ با ایران نیست، اولویت فعلی آمریکا بیشتر تلاش برای توافق با ایران در موضوع توافق هسته‌ای است. اولویت آمریکا مسائل دیگری است، یعنی چین و روسیه ... با توجه به صحبت‌های مسئولان آمریکایی اعم از وزارت خارجه، پنتاگون و ... روشن است که اولویت آنها اکنون جنگ علیه ایران نیست.

تصمیم آنها برای امضای توافق هسته‌ای به این معنی است که امور به سمت تنش‌زدایی مشخصی پیش می‌رود؛ اگر توافقی صورت نگیرد، آنها گزینه‌های تحریم‌های بیشتر، تحریک، فشار و استفاده از فضای داخلی ایران را اجرا خواهند کرد، همان اقدامی که در زمان ترامپ انجام شد.

العالم: تهدیداتی از سوی رژیم صهیونیستی برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران مطرح می‌شود؛ فرماندهان نظامی این رژیم می‌گویند که ایران از خطوط قرمز فراتر رفته و ما آماده حمله به آن هستیم؛ به نظر شما با وجود خودداری آمریکا از برافروختن چنین جنگی، آیا رژیم صهیونیستی می‌تواند با متحدان کنونی خود در منطقه دست به این اقدام بزند؟

سید حسن نصرالله: متحدان رژیم اشغالگر اسرائیلی هیچ کمکی نمی‌کنند زیرا خود به کسی نیاز دارند که از آنها حمایت کند. من با این فرضیه بیشتر موافقم که هدف اسرائیلی‌ها از این صحبت‌ها تنها ارباب است؛ در داخل "اسرائیل" شکافی واقعی در سطح سیاسی، امنیتی و نظامی وجود دارد و من بخاطر پیگیری این مسئله از آن اطلاع دارم؛ اکثر مقامات امنیتی و نظامی این رژیم با حمله نظامی به ایران مخالف هستند؛ به دو دلیل: نخست اینکه این حمله را بی‌فایده می‌دانند زیرا تاسیسات هسته‌ای ایران برخلاف تصور بسیاری، در یک مکان واحد نیستند بلکه پراکنده هستند؛ مهم‌تر از مسئله مادی، مسئله علم هسته‌ای است که هزاران دانشمند متخصص در ایران دارد. حال آیا می‌توان هزاران نفر را با بمباران هوایی از بین برد؟ حتی عملیات‌های امنیتی نیز نتوانستند پیشرفت برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را متوقف کنند؛ آنها خودشان می‌گویند که این کار بی‌حاصل است و نتیجه عکس دارد و برنامه هسته‌ای ایران را که از آن می‌ترسند تسریع می‌کند. آیت الله خامنه‌ای در مناسبت‌های بسیاری اعلام

کرده است که ایران قصد ساختن سلاح هسته‌ای یا استفاده نظامی از انرژی هسته‌ای را ندارد و مسئولان دیگر ایران نیز بر این مسئله تاکید کرده‌اند، حتی اگر اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها باور نکنند و این مسئله را بهانه خود قرار دهند.

دلیل دوم، حجم پاسخ ایران است. ایران شوخی ندارد و از زبان رهبر معظم انقلاب و مسئولینش بارها گفته است: ایران پاسخ خواهد داد. برخی تصور می‌کنند که اگر "اسرائیل" به ایران حمله نظامی کند، جمهوری اسلامی به یاران خود در منطقه تکیه خواهد کرد، درحالی‌که جمهوری اسلامی اگر از سوی اسرائیلی‌ها مورد چنین حمله‌ای قرار گیرد، خود مستقیماً پاسخ خواهد داد و پاسخش سخت، شدید و خشن خواهد بود، اسرائیلی‌ها نیز این را به خوبی می‌دانند. از همین رو است که اکثریت مقامات نظامی و امنیتی آنها مخالف چنین اقدام نظامی هستند. من نیز چنین اقدامی را از سوی دشمن اسرائیلی بعید می‌دانم و اگر دست به این کار بزند، حماقتی کرده که پیامدهای ناگواری برایش به دنبال خواهد داشت.

العالم: آیا جنگ گسترده‌ای با مشارکت محور مقاومت در خواهد گرفت و محور مقاومت در آن متحد خواهد شد؟

سید حسن نصرالله: روشن است که پاسخ سختی از سوی جمهوری اسلامی ایران وجود خواهد داشت. در پرتو این پاسخ قاطعانه ایران، میزان بازتاب‌ها و تحولات را خواهیم دید و در آن لحظه محور مقاومت آماده است و متناسب با شرایط آن زمان تصمیم خواهد گرفت.

العالم: مقامات رژیم صهیونیستی امروز از ائتلافی نظامی صحبت می‌کنند، بدان معنا که می‌خواهند با دولت‌های سازشگر مانند بحرین و امارات و شاید عربستان، ائتلافی نظامی برای رویارویی احتمالی با ایران ایجاد کنند، صحبت از این ائتلاف جدی شده و مانورهایی نیز در حال انجام است، با این وجود به نظر شما تهدید رژیم صهیونیستی صرفاً یک تهدید باقی خواهد ماند؟

سید حسن نصرالله: ممکن است عادی‌سازی این دولت‌ها با رژیم اشغالگر اسرائیلی به لحاظ اقتصادی به سود "اسرائیل" باشد و برخی دولت‌های خلیج فارس اقدام به سرمایه‌گذاری در فلسطین اشغالی و برقراری روابط اقتصادی با این رژیم کنند یا به لحاظ رسانه‌ای، سیاسی، شکستن موانع روانی و ارتش‌های سایبری در شبکه‌های اجتماعی برای آن سودبخش باشند، اما از بعد نظامی نه تنها نمی‌توانند هیچ نفعی برای "اسرائیل" داشته باشند، بلکه باری بر دوش آن نیز خواهند بود.

نمونه اخیر آن تحولاتی بود که میان انصارالله و امارات متحده عربی اتفاق افتاد. گذشته از اینها، نکته بسیار عجیب این است که دولت امارات از بدو تاسیس خود تا به امروز به عنوان دولتی نوپا، ده‌ها میلیارد دلار موشک، جنگنده، سلاح و فناوری نظامی خریداری کرد، اما در اولین درگیری مستقیم با انصارالله، فریاد کمک‌خواهی سر داد و آمریکایی‌ها برای حمایت از آن، کشتی، موشک و جنگنده فرستادند. انگلیس و فرانسه نیز به کمک آن شتافتند و "اسرائیل" نیز به کمک فراخوانده شد.

دولت امارات در مقابل انصارالله و در اولین درگیری با آن، به ابرقدرت‌های جهان و اسرائیل پناه برد تا از آن حمایت کنند. حال امارات و بحرین چگونه می‌توانند در منطقه خلیج فارس یا جای دیگر، به اسرائیلی‌ها کمک نظامی کنند؟

العالم: آنها به حمایت شدن از سوی رژیم صهیونیستی امید دارند؟

سید حسن نصرالله: آنها امیدشان را از شن و در بهترین حالت از شیشه می‌سازند.

تهدیدهای اسرائیل علیه حزب الله؛ آیا اسرائیل از واکنش حزب الله می ترسد؟

العالم: به تهدیدهای اسرائیلی علیه حزب الله می پردازیم. امنیت ملی رژیم صهیونیستی آتشی که اطرافش را گرفته، یعنی موشک های نقطه زن حزب الله، را هدف قرار داده و توصیه کرده که گزینه نظامی برای حمله به حزب الله آماده شود تا این موشک ها را از بین ببرند. آیا این ارزیابی منطقی است؟ پاسخ شما به آن چیست؟ بخصوص اینکه این تهدیدی آشکار به استفاده از گزینه نظامی علیه حزب الله است.

سید حسن نصرالله: آنها همیشه در حال تهدید کردن هستند. لبنان از سال ۱۹۴۸ یعنی پیش از به وجود آمدن حزب الله و حتی پیش از به دنیا آمدن من و شما، همواره در معرض تهدید بوده است. از همان زمان دشمن اسرائیلی لبنان را تهدید می کرد و این تهدیدها همچنان ادامه دارد. در موضوع مقاومت این تهدیدها مشخص هستند و ما با آن برخوردی جدی داریم. ما با تهدیدها صرفا به عنوان یک جنگ روانی برخورد نمی کنیم، البته شکی نیست که جنگ روانی است، اما آنها را جدی می گیریم. حال آیا آنها قادر به عملی کردن تهدیدهای خود هستند؟ یعنی مثلاً وقتی اسرائیل می گوید که می خواهم موشک های نقطه زن حزب الله را به طور کامل از بین ببرم، آیا از تعداد این موشک ها اطلاع دارد؟ آیا از مکان آنها چیزی می داند؟ این موشک ها در یک، دو، سه یا چهار محل ذخیره نشده اند تا اسرائیلی ها بتوانند بیابند، آنها را نابود کنند و این ماجرا را خاتمه دهند.

العالم: جناب نصرالله، در درون اسرائیل دیدگاهی در مورد قدرت حزب الله وجود دارد که اگر آن را نادیده بگیرند، به مرور زمان توسعه پیدا می کند و قدرت فزاینده آن بیشتر و بیشتر می شود، سپس حمله به آن، از بین بردن و یا مقاومت در برابر آن سخت و سخت تر می شود. اگر از عامل زمان صحبت می کنیم. درون اسرائیل اشغالی دیدگاهی وجود دارد که می گوید باید جنگی علیه حزب الله صورت بگیرد حتی اگر هزینه بر باشد، تا از تبدیل این حزب به یک قدرت نظامی بزرگ جلوگیری شود!

سید حسن نصرالله: توجه کنید ما الحمدلله از این مرحله عبور کرده ایم، از مرحله ای که دشمن اسرائیلی بتواند برای از بین بردن توانایی های مقاومت، توانایی های حزب الله لبنان، جنگی به راه بیندازد. از اینها عبور کرده ایم و بهترین دلیل این که حجم ظرفیت های موجود از نظر کمی و کیفی و ظرفیت انسانی نیز نزد حزب الله موجود است و در تاریخ لبنان و تاریخ جنبش های مقاومت در مواجهه با دشمن صهیونیستی بی سابقه بوده است.

ما به این مرحله رسیده ایم. پس آنها قادر نخواهند بود کاری از پیش ببرند، حتی اگر به جنگ متوسل شوند، نمی توانند به این هدف برسند، بنابراین انتخاب واقعی آنها در سال های اخیر، گزینه جنگ نیست. بنده بطور قاطع آن را انکار نمی کنم اما ما در مورد احتمالات صحبت می کنیم، اگر دشمن اسرائیلی از ۵۰ درصد، نه ۵۱ درصد رهبران سیاسی و ژنرال های نظامی برخوردار بود، اگر آنها ۵۰ درصد چنین نیروهایی داشتند که جنگ امروز، دیروز، پریروز یا فردا علیه لبنان می تواند به توانایی مقاومت خاتمه دهد ... اما چون به نتایج مطمئن نیستند و از حجم واکنش ها در هراسند، از

شکست خیلی واهمه دارند، از شکست و چیزی بزرگتر از شکست می‌ترسند. آنها به اقدامی با چنین حجمی متوسل نمی‌شوند. مکانیزم‌های آنها جای دیگری است، و همان چیزی است که در سال‌های گذشته درباره آن صحبت کردیم و هنوز هم وجود دارد: فشار اقتصادی، محاصره اقتصادی، که لبنان را به عنوان یک دولت، ملت و مردم به سقوط اقتصادی، ناامنی و به آنچه انقلاب مردمی علیه مقاومت می‌خوانند، سوق داد. یعنی فشار اعم از فشارهای بین المللی، منطقه‌ای، استفاده از مسائل معیشتی، مالی و اقتصادی... شاید بتوانند به این نتیجه برسند که می‌گویند - این سلاح را بگیر - اگر به خاطر داشته باشید چند ماه پیش گانتر وزیر جنگ دشمن صهیونیستی به فرانسه رفت و صحبت شد که فرانسوی‌ها می‌خواهند به لبنان کمک کنند و کنفرانس بین المللی تشکیل دهند و امثال اینها.

او به فرانسه رفت و با مکرون رئیس جمهور ملاقات کرد. این چیزی است که در رسانه‌ها گفته شد و اطلاعات بخصوصی از آن درز نکرد. وی اعلام کرد که من به فرانسه آمدم و از مقامات فرانسوی خواستم که هیچ گونه اقتصادی یا مالی به لبنان ارائه نکنند جز در ازای این نتیجه... حداقل مشکل موشک‌های نقطه‌زن را برای ما حل کنند... اگر او راهی برای حل مشکل موشک‌های نقطه‌زن داشت به فرانسه نمی‌رفت.

برای انجام این کار از مدت‌ها قبل، در اشکال نظامی یا امنیتی این کار را انجام می‌داد. می‌دانید که اسرائیلی‌ها گزینه‌هایی از این دست دارند، اما آنها به خوبی می‌دانند که به نتیجه‌ای نمی‌رسد، نگاه آنها همچنان روی وضعیت داخلی لبنان مانند وضعیت اقتصادی و وضعیت مردم متمرکز است و تا الان به شدت ناامید شده‌اند، حتی برای انتخابات پارلمانی شرط بندی کرده بودند که اگر فرصت شد، در موردش صحبت می‌کنیم، از آخرین آنها می‌گوییم:

اینها توهم است ... مقاومت امروز یعنی حضور، استقبال بزرگ مردمی از آن، قدرت اجتماعی اش، قدرت مردمی آن، حضورش، انسجام، اتحادش، صلابتش، اعتماد به نفس و روحیه‌اش. نظر شخصی من است که ما موضوع خطر را به مقاومت منتقل کرده‌ایم، اما این بدان معنا نیست که من بروم بخوابم، ما محتاط و حاضر خواهیم بود.

العالم: از سوی دیگر، جناب سید، پس از موشک‌های نقطه‌زن و ورود به الجلیل و ۱۰۰ هزار جنگنده، آیا در این زمان غافلگیری برای اشغالگران اسرائیلی وجود دارد؟

سید حسن نصرالله: غافلگیری‌های ما همواره وجود دارد، بالطبع آنچه را که برای شما آشکار کنم غافلگیری نخواهد بود ... همیشه همان طور که همه ما در حزب الله می‌گوییم دنبال جنگ نیستیم. ما هشدارها، عواقب و آثار جنگ را درک می‌کنیم، اما از آن نمی‌ترسیم، در برابر تهدیدات تسلیم نمی‌شویم. ما به خاطر تهدید به جنگ، از کشورمان و منافع ملی خود دست نمی‌کشیم. مسلماً عواملی برای غافلگیری دشمن وجود دارد، ما برای اولین بار در مقاومت اسلامی پدافند هوایی را فعال کردیم که تاکنون نتایج بسیار خوبی داشته است. طی دو سال گذشته، سامانه‌های دفاع هوایی مقاومت را به منظور مقابله با پهپادهای اسرائیلی و دور کردن خطر آنها فعال کردیم.

العالم: از بخش اطلاعات ارتش صهیونیست‌ها گزارش شده که حزب الله دارای سامانه‌های واقعی پدافند هوایی است و صحبت از موشک‌های

SA۸ و SA۱۷ روسی به میان آمده است. امکان دارد که جناب عالی در این مورد صحبت کنید؟

سید حسن نصرالله: در مورد آن چیزی نمی‌گوییم همه اینها - اگر وجود داشته باشد - نشان داده می‌شود.

العالم: آنها از پدافند هوایی صحبت می‌کنند، هواپیماهای جنگی نه فقط پهپاد ...

سید حسن نصرالله: همه چیز ممکن است.. همه چیز احتمال دارد. داشتن هر سلاحی که بتواند از این کشور و این مردم در مقابل اسرائیل دفاع کند.

العالم: آیا می‌توان گفت اکنون قواعد درگیری هوایی با دشمن اسرائیلی تغییر کرده است؟

سید حسن نصرالله: بخشی از آن تغییر کرده است و آنچه من گفتم یعنی فعال سازی.. وقتی می‌گویید تغییر کرد یعنی ما به سمت فعال شدن رفتیم. «فعال سازی در مقابل پهپادها» این تصمیم از زمان حادثه سقوط پهپادها بر فراز حومه جنوبی گرفته شده است یعنی سرنگون شده است.

هویت حزب الله؛ ایرانی یا لبنانی؟!

العالم: این روزها حمله‌های گسترده و سازمان یافته‌ای از داخل و خارج به حزب الله صورت می‌گیرد. برخی حزب الله را متهم می‌کنند که یک حزب ایرانی است نه لبنانی، آنها ادعا می‌کنند که شما هیچ تعهد و وابستگی ملی به لبنان ندارید، پاسخ شما چیست؟

سیدحسن نصرالله: ما این قبیل سخنان را از الان تا زمان برگزاری انتخابات به وفور خواهیم شنید اما این ادعاها جدید نیستند و از قدیم مطرح بوده‌اند و سخنان بی‌سر و تهی هستند اما من می‌خواهم پاسخی علمی به این موضوع بدهم. می‌خواهم بگویم این حزب در لبنان حضور دارد و به جز انبوه نهادها و تشکیلات دیگر، صد هزار رزمنده دارد.

اگر یک حزبی با تمام تشکیلات و نهادها و توده هوادارانش می‌گوید من لبنانی هستم اما متهم می‌شود به اینکه ایرانی است یا سعودی یا آمریکایی، قطعاً در نهایت معیارهایی وجود دارند. طبق چه معیاری و تحت چه عنوانی می‌گویند فلان حزب لبنانی است یا غیر لبنانی. طبق ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین معیارها، همه رهبران، اعضا و کادرهای حزب الله اعم از زن و مرد و پیر و جوان همه و همه لبنانی هستند آنها از وقتی که لبنان به وجود آمده است و تابعیت لبنانی وجود داشته است، هویت و تابعیت لبنانی داشته‌اند.

لبنانی‌ها از صدها سال پیش در این کشور حضور داشته‌اند و این یک معیار است و اگر کافی نیست باید بگوییم رهبرانی که برای حزب الله تصمیم‌گیری می‌کنند و عملیات‌ها و نهادهای آن را اداره می‌کنند، اگر ایرانی هستند، پس غیرلبنانی هستند و این حزب هم لبنانی نیست یا حزبی دو تابعیتی است که این، غیرممکن است. حزب الله از فرق سر تا نوک پا لبنانی و همه اعضایش لبنانی هستند.

دومین معیار و مهمترین آن، این است که این حزب یا گروه یا جماعت، برای منافع لبنان فعالیت می‌کند یا کشوری دیگر؟ این یک معیار مهم و اصلی است. زیرا در مرحله ادعا همه حزب‌ها، خود را لبنانی می‌دانند، اما معیار واقعی (در این ادعا) این است که وابسته به این کشور و تاریخ و فرهنگ و بافت اجتماعی باشد که اگر اینگونه باشد جواب آری است و معیار این است که آیا برای منافع ملی این کشور تلاش می‌کنید یا منافع کشورهای دیگر. حال طبق این معیار آیا ارتش آنتوان لحد، لبنانی است یا یک سازمان یا حزب لبنانی است، قطعاً نه. این ارتش یک ارتش مزدور است که به طور کامل در خدمت رژیم صهیونیستی است که در نوار مرزی اشغال شده در آن زمان، برای اسرائیل کار می‌کرد. لذا به نفع این رژیم و در خدمت آن است. بنابراین معیار، در اینجا منافع ملی است.

اینجا ماجرای را تعریف می‌کنم. یک بار در سال ۲۰۰۶ قبل از آغاز جنگ، دور یک میز جمع بودیم. همه حاضر بودند. در این گفتگو (نمایندگان) پارلمان به ریاست نبیه بری هم حضور داشتند و من هم بودم. بحث درباره رابطه با ایران و وابستگی و تصمیمات سیاسی و غیره بود. من به آنها گفتم بسیار خوب، معیار ملی بودن و لبنانی بودن این حزب را می‌خواهید آیا این حزب به دنبال منافع کشور خودش بوده یا کشورهای دیگر. آیا می‌توانید حتی یک مثال بیاورید که حزب الله از زمان تأسیسش در سال ۱۹۸۸ تا امروز حتی یک بار هم به نفع ایران کار کرده باشد. ایران و نه برای مصلحت لبنان، برای من مثالی بیاورید، کسی جواب نداد، نیم ساعت بعد که قضیه تمام شد، یکی از آنها یادش آمد که مثالی وجود دارد، نبیه

بری از او خواست صحبت کند. او در پاسخ گفت هواپیمای TW۸۰۰ در دهه هشتاد قرن بیستم از فرودگاه بیروت ربوده شد و ادعا شد که این اقدام به مصلحت ایران است، خواستم که پاسخ وی را بدهم اما بری از من خواست که منتظرم بمانم و خودش پاسخ داد.

به او گفت که موضوع ارتباطی به سید ندارد، بلکه عده‌ای این هواپیما را ربودند و من با آنها برای حل این مشکل گفت و گو کردم که یکی از نتایج آن آزادی هزاران زندانی لبنانی در انصار و عتلیت بود. لذا ایران هیچ ربطی به این موضوع ندارد، آن شخص ساکت شد و نتوانست جواب دهد، به آنها بارها گفتم که اگر موضع، عملکرد، رفتار یا اقدامی از سوی حزب الله را به یاد دارند که به نفع لبنان نبوده و به نفع ایران بوده را بگویند و آن را یادآوری کند، این موضوع در سال ۲۰۰۶ روی داد.

الان در فوریه ۲۰۲۲ این سوال را برای همه کسانی مطرح می‌کنم که متهم می‌کنند و صحبت می‌کنند، من مشکلی با این موضوع ندارم که صحبت کنند، آنچه می‌گویند هیچ تاثیری ندارد، اما اگر بخواهیم با منطق صحبت کنیم، یک نفر بیاید بگوید: ای سید، ای حزب الله شما فلان کار را انجام دادید که به نفع لبنان نبود بلکه به نفع ایران بود، یک مثال بیاورند.

مهمترین چیزی که بیانگر رابطه ما و اتکای ما به جمهوری اسلامی ایران است، مقاومت است، مقاومت در لبنان یک مصلحت بزرگ ملی است، آن، مصلحت حاکمیت، امنیت، موجودیت، عزت و آزادی است. برخی ما را متهم می‌کنند که این موضوع بدان معنا نیست که ما یک حزب لبنانی هستیم بلکه لبنانی تر از هر موضوع دیگری هستیم، من می‌گویم در واقع ما خودمان تصمیماتمان را می‌گیریم، این مشکلی است که در سیاست در لبنان به آن اهمیت نمی‌دهند، مثلاً آنها تصورشان بر اساس رفتار کشورها با احزاب است و موضوعات را با معیارهای قدیمی مقایسه می‌کنند. زمانی که در آخرین سخنرانی در مراسم سالگرد شهید حاج قاسم سلیمانی رحمت الله علیه پادشاه عربستان سعودی سخن گفتم، آنها تصور کردند که مذاکرات بین ایران و عربستان شکست خورده است، سید نصرالله به پادشاه سعودی پاسخ داد. اما برخی از آنها فکر می‌کردند که امور در وین روشن نیست. امیر عبداللہیان وزیر امور خارجه ایران فردای آن روز گفت که مذاکرات با عربستان ادامه دارد و تدابیری برای روابط با عربستان سعودی ترسیم شده است.

اینجا بود که بهانه‌شان در لبنان خنثی شد، گاهی می‌گویند که میان حزب الله و ایران اختلاف وجود دارد، برخی می‌گویند که نقش‌ها را تقسیم می‌کنند تا اشتباهات‌شان را توجیه کنند، زیرا اصلی که به آن استناد می‌کنند، ادعاهای نادرست است، زیرا تصمیمات حزب الله، لبنانی و بر اساس منافع کشور و ملت است، بنابراین ایران می‌تواند دوست این کشور یا هر کشور دیگری باشد که ما با آن دوست نباشیم. دوستی جمهوری اسلامی با یک کشور شما را ملزم به این دوستی نمی‌کند. ما بر اساس اصول، محاسبات و منافع کشورمان با این کشور یا آن کشور دوست هستیم، بنابراین آنها اشتباه ارزیابی می‌کنند زیرا نمی‌توانند بفهمند که حزب الله خودش تصمیم گیرنده است.

در یمن انصارالله و رهبری انصارالله تصمیم گیرنده هستند نه ایران که به آنها بگوید این کار را انجام بده یا انجام نده یا به آنها چیزی را دیکته کند، همچنین وقتی به عرصه‌های دیگر می‌رویم، اینگونه است، نتیجه این سردرگمی آن است که به اشتباه مسائل را تحلیل می‌کنند و تصمیمات اشتباه اتخاذ می‌کنند.

معروف است که ما در حزب واقعیت‌ها را متواضعانه می‌گوییم. واقعیتی که باید بررسی شود آن است که این لبنانی است یا غیرلبنانی یا این حزب لبنانی است یا غیرلبنانی، برخی احزاب و اشخاص در لبنان از دستورات سفارتخانه‌ها پیروی می‌کنند و به دستورات سفارتخانه‌ها پایبند هستند و علیه مقاومتی که از حاکمیت، نعمت‌ها، آب‌ها و مرزهای لبنان دفاع می‌کند، توطئه می‌کنند. من می‌خواهم با شما موضوع را بررسی کنم، آیا تو لبنانی هستی یا غیرلبنانی، اما ما این مساله را بررسی نمی‌کنیم، و اتهام زنی نمی‌کنیم، نمی‌گوییم که این حزب آمریکایی است یا این حزب سعودی است یا این حزب اماراتی است یا غیره، زیرا باعث می‌شود احساس کنی وارد دور باطلی شده‌ای که بی‌ارزش است.

گسترده‌ی دخالت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی آمریکا در لبنان

العالم: اینجا به ایران و نقش آن می‌پردازم، جمهوری اسلامی ایران همواره گفته که بر اساس مسئولیت‌هایش از ثبات، حاکمیت، دولت، ملت، مقاومت و حقوق لبنان در محافل بین‌المللی و دیپلماتیک دفاع می‌کند و در امور داخلی لبنان دخالت نمی‌کند و آماده ارائه کمک در صورت درخواست دولت لبنان در بحران فعلی‌اش است، در مقابل می‌بینیم که اصطلاحات عجیب و غریبی علیه ایران مطرح می‌شود و گفته می‌شود که ایران بر لبنان سیطره دارد و یا نفوذ ایران و مسائل مشابه ...

سیدحسن نصرالله: آنها چیزی ندارند، گروهی که با مقاومت لبنان دشمنی می‌ورزد، بیاپید از قبل از سال ۲۰۰۵ سخن بگوئیم، چون قبل از آن درباره حضور سوریه حرف می‌زنند و اینکه مانع ما شدند و غیره، شما از سال ۲۰۰۵ در حیات سیاسی در مجلس نمایندگان و دولت حضور دارید و در ادارات آن در داخل و خارج آن وقت اینها می‌گویند که برای لبنان چه کار کرده‌اید، من این سوال را از یک نفر نمی‌پرسم، بلکه از تمام گروهی می‌پرسم که الان برنامه‌ای برای نجات لبنان ندارند تا بگوئید چگونه می‌خواهید لبنان را از مشکلاتی نجات دهید که از آن رنج می‌برد مانند پرونده اقتصادی و مالی، آنها برنامه‌ای جز حمله به مقاومت، حزب الله و ایران و شعار دادن ندارند.

بگذارید بگویند از سال ۲۰۰۵ تا کنون چه کرده‌اند. بگذارید مردم دستاوردهای شما را حس کنند، غیر از سر و صدا، اتهام زدن، درگیری‌ها و گاهی اوقات قرار دادن کشور در آستانه جنگ داخلی چه کار کردید. در حالی که از سال ۲۰۰۵ تاکنون توانسته ایم دستاوردهای محسوسی را در سطوح مختلف به کشور و مردم خود ارائه کرده ایم که می‌توانیم آن را ذکر کنیم، مشکل اینجاست که اینها همان دیگران هستند، من درباره دشمنان یا مخالفان صحبت می‌کنم و می‌توان درباره این عبارت مسامحه کرد که آنها دشمنان هستند، اما آنها واقعا مانند دشمن رفتار می‌کنند و یا روحیه دشمن و با اندیشه دشمن و با اصطلاحات دشمن، وقتی از آنها سوال می‌کنیم که چه دستاوردهایی دارند و چه برنامه‌هایی دارند، پاسخ می‌دهند که باید سلاح مقاومت را تحویل دهید، آیا این همان طرفی است که می‌خواهد کشور را نجات دهد؟ او هیچ چیز دیگری برای ارائه ندارد، بنابراین در این موضوع، ما پیش‌بینی می‌کنیم که شعارهای بیشتر، اتهام زنی و توهین‌های بیشتری انجام شود، آنها می‌دانند که این درست نیست. اما در امتحان حاکمیت و استقلال و آزادی، آنها مدتهای مدید است که شکست خورده‌اند، ما نیازی نداریم که بگوئیم ببینید، آنها درباره این موضوع یا آن موضوع ساکت شدند، اما امروز باید آن را یادآوری کرد.

مثلاً در پرونده انتخابات مجلس یا هر پرونده دیگری همه می‌دانند که سفارت آمریکا دخالت می‌کند، هیچ رازی وجود ندارد، سفیر آمریکا در رسانه‌ها درباره انتخابات مجلس صحبت می‌کند و با رهبران سیاسی دیدار می‌کند، در پایان دیدار، آنها درباره انتخابات صحبت می‌کنند، هیئت‌هایی از سفارت آمریکا در کشور پرسه می‌زنند و در موضوع انتخابات دخالت می‌کنند، بنابراین من با صداقت می‌گویم که سفارت سفارت ایران از سفیر گرفته تا جوان‌ترین کارمند سفارت در انتخابات لبنان دخالت نمی‌کند و هیچ طرف ایرانی وجود ندارد که در انتخابات ما دخالت کند و این موضوع به حزب الله واگذار شده است.

العالم: ما می‌خواهیم در مورد علت حمله شدید علیه مقاومت و حزب الله لبنان صحبت کنیم، اما در مقابل ایران، آمریکا در لبنان است و حضرت عالی در مورد نفوذ آمریکا به نهادها و موسسات صحبت کرده‌اید. ارزیابی شما در مورد نفوذ امنیتی و اطلاعاتی آمریکا در لبنان و نقش سفارت آمریکا در لبنان که بزرگترین سفارت در منطقه به شمار می‌رود، چه است؟ آمریکایی‌ها چه می‌خواهند؟

سید حسن نصرالله: البته نفوذ آمریکا در لبنان وجود دارد و ما نمی‌خواهیم مانند آنها درگیر جنجال‌های رسانه‌ای باشیم، آنها از اشغالگری ایران صحبت می‌کنند و این حرف مضحک است ولی ما پاسخ می‌دهیم و می‌گوییم نه. بحث اشغالگری آمریکا در لبنان مطرح نیست، اما نفوذ آمریکا در لبنان وجود دارد، این درست است، نفوذ سیاسی، نفوذ مالی نظامی و امنیتی.

مثلاً با توجه به نفوذ مالی، آیا بانک مرکزی می‌تواند از هر محدودیت، کنترل یا جزئیاتی که توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا دیکته می‌شود، فراتر رود و این تسلیم مطلق است. کل سیستم بانکی لبنان تابع تصمیمات خزانه‌داری آمریکاست و این معلوم است که از آمریکا دستور حذف حساب فلانی را می‌گیرد و بلافاصله حذف می‌شود و در مورد آن بحث نمی‌کنند. معاون وزیر خزانه‌داری یا معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور مالی برای جمع‌آوری رؤسای بانک‌ها و مراجع ذی‌ربط در امور مالی و پولی حاضر می‌شود و در حین اجرای تصمیمات خود را به اطلاع آنها می‌رساند و آنها (مسئولان بانکی لبنان) هم اجرا می‌کنند.

در بحث سیاسی بازتاب اقتصادی دارد، مثلاً حتی برای وارد کردن محموله گازوئیل با دشواری زیادی مواجه شدیم. می‌گفتند چگونه کشتی‌های حامل گازوئیل را از فاصله ۲۷۰ کیلومتری منطقه بقاع به بنیاس می‌آورید، چون نمی‌توان کشتی را از سواحل لبنان آورد و آمریکا هم اجازه نمی‌دهد. این اسمش نفوذ سیاسی است و دولت لبنان می‌گوید ما نمی‌توانیم این موضوع را تحمل کنیم و آنها مشخص می‌کنند که ما به تنهایی چشم خود را بر روی سواحل لبنان بسته‌ایم، بلکه رسماً به ما خطاب کردند که خجالت می‌کشند و اینکه ممکن است دولت لبنان تا این حد سقوط کند، کشتی بیاورد تا گازوئیل بفروشد، با قیمتی ارزان‌تر از بازار، ممکن است دولت لبنان سقوط کند و این نفوذ سیاسی آمریکا محسوب می‌شود.

با توجه به بحث نظامی، نیروهای آمریکایی در لبنان حضور ندارند، پایگاه‌های نظامی آمریکا در لبنان وجود ندارد، بلکه برخی افسران و تعدادی سرباز هستند که از سفارت یا مستشاران ارتش لبنان محافظت می‌کنند. مشخص است که تعداد محدودی وجود دارند، اما حضور دائمی در نهاد نظامی دارند که در آن افسران و ژنرال‌های آمریکایی در وزارت دفاع لبنان نشسته‌اند و خدا می‌داند که در چه سطحی در تشکیلات نظامی لبنان دخالت می‌کنند، حضور دارند و این کاملاً علنی است و پنهانی نیست.

همچنین سفیر آمریکا همیشه در لبنان حضور دارد، بنابراین حتی اگر یک قایق و یا هلی‌کوپتر کوچکی وارد لبنان شود، سفیر آمریکایی باید حضور داشته باشد (در همه امور لبنان دخالت می‌کند) و بلافاصله به ارتش لبنان می‌چسبد و این امری نه عادی و نه خوب تلقی می‌شود و لذا رصدهای جدی روی این مسئله وجود دارد و باید به آن رسیدگی شود اما مهم‌ترین موضوع بحث امنیت است، همه می‌دانیم که سفارت آمریکا در لبنان مرکز

اصلی سیا نه در سطح لبنان بلکه در سطح منطقه است. سفارت آمریکا در لبنان برای لبنان ساخته نشده برای کل منطقه است. یک سفارت بزرگ در عراق و یک سفارت بزرگ در لبنان وجود دارد. بنابراین تنها سفارت لبنان دغدغه آمریکا نیست، بلکه نفوذ امنیتی، به کارگیری افراد از سوی سازمان سیا و مخبرانی است که فعالیت (جاسوسی) می کنند.

ما می گوییم اطلاعات مرکزی آمریکا که در سطح خاصی در لبنان فعالیت می کند، به سفارت آمریکا در عوکار (شرق بیروت) تبدیل شد و لبنانی ها را برای جمع آوری اطلاعات نظامی که اسرائیلی ها به آن نیاز دارند و سیا به آن نیازی ندارد، جذب می کند. بنابراین ما با نفوذ سیاسی، امنیتی، مالی و اقتصادی مواجه هستیم و هرکس می گوید ما یک کشور مستقل می خواهیم و از حاکمیت، آزادی و استقلال صحبت می کند، باید با این نفوذ مخرب مقابله کند.

تأثیر تحریم‌ها بر حزب‌الله

العالم: طی سال‌های گذشته تحریم‌هایی علیه حزب الله اعمال شده است که آخرین آن تحریم‌ها علیه برخی از لبنانی‌ها از جمله تاجر عادل دیاب و دیگران و یک شرکت مسافرتی بود، تاثیر این تحریم‌ها بر حزب‌الله به ویژه مقاومت چیست؟

سید حسن نصرالله: اگر کسی ادعا کند که این مجازات‌ها هیچ اثری ندارد و با جوهری که در آن نوشته شده برابری نمی‌کند، این ادعا بی‌پایه و اساس است، بنابراین این تحریم‌ها آسیب می‌رساند، به عنوان مثال با این تحریم‌ها در حق تجار و بازرگانان ظلم می‌شود نه اموال و دارایی آنها برای حزب الله است و نه آنها با حزب الله شریک هستند و حزب الله را تامین مالی نمی‌کنند و کافی است که طرفدار مقاومت و یا حامی یا دوست باشند تا در این مورد ظلم واقع شوند، پس طبیعی است که متضرر می‌شوند، بانک‌ها برای آنها مشکل ایجاد می‌کنند و تجارت‌شان مختل می‌شود.

در مورد ادعای آنها مبنی بر اینکه تحریم‌ها مانع حزب الله می‌شود، قبلاً گفتم که حزب الله پروژه‌های اقتصادی یا شرکت‌های تجاری ندارد تا تحت تأثیر این تحریم‌ها قرار بگیرد. حزب الله در خارج از کشور هم مال و اموال و املاکی ندارد و اینکه حزب الله به عنوان یک حزب ممکن است به عنوان یک محیط تحت تأثیر قرار گیرد و دوستان آسیب ببینند و برخی از کسانی که مبلغی را به حزب الله کمک می‌کنند از انجام آن به دلیل تحریم‌ها اکراه داشته باشند، اما در هر صورت حجم کمک‌هایی که قبلاً ارائه شد و در حال حاضر ارائه می‌شود تا زمانی که تبعات منفی و خطرناکی از خود بر جای نگذارند، در اختیار حزب الله قرار می‌گیرند. بنابراین تاثیر اساسی در مسیر حزب الله و راه حزب الله ندارند. بنابراین می‌گوییم که تحریم‌ها بدون شک برای برخی از محیط‌ها مضر است، اما نمی‌تواند بر توسعه و تداوم حزب الله تأثیر منفی بگذارد و بیش از آنکه تأثیر مادی داشته باشد، تأثیر روحی و اخلاقی دارد.

مذاکره آمریکا با حزب الله؛ درخواست‌ها و امتیازها

العالم: جناب سید حسن نصرالله، آیا شما توضیحاتی درباره خواسته آمریکا برای برگزاری نشست با حزب الله دارید؟ آیا از شما چنین درخواستی شده بود؟

سید حسن نصرالله: بیش از یک بار و بیش از چند نوبت

العالم: هدف آن‌ها از این درخواست چه بود؟

سید حسن نصرالله: به آمریکایی‌ها نگاه کنید، آن‌ها خود را پراگماتیک و واقع‌گرای دانند، آن‌ها مشکلی ندارند، او می‌گوید که با تروریست‌ها مذاکره نمی‌کنم و این درحالیست که با تروریست‌ها همکاری می‌کند نه اینکه مذاکره بکند. سازمان‌های تروریستی را تشکیل می‌دهد و آن‌ها را اداره می‌کند و با آن‌ها همکاری می‌کند، و این مساله‌ایست که ترامپ به آن اذعان کرد و اواما و کلینتون به تشکیل داعش متهم هستند. کلینتون به تشکیل القاعده اقرار کرده است. بنابراین، این‌ها موضوعاتی هستند که مطرح هستند، اینکه می‌گویند که ما با سازمان‌های تروریستی مذاکره نمی‌کنیم، و با آن‌ها ارتباط نداریم، کلامی بیهوده است.

با اینکه آن‌ها ما را طی سال‌ها به عنوان سازمان تروریستی توصیف می‌کنند. از پیش از سال ۲۰۰۰ و پس از آن و بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و قبل از سال ۲۰۰۶ و بعد از آن و همچنین در برهه اخیر، تلاش‌هایی برای ایجاد کانال ارتباطی وجود داشته است، قطعاً ما مجبور به این مساله نیستیم و به آن افتخار نمی‌کنیم. می‌خواهیم اعتبار خود را ثابت کنیم، زیرا کانال‌هایی که آنرا به کار گرفتند، و به آن‌ها متوسل شدند، بیش از یک کانال است، کانال فلانی آمد و ما به آن‌ها نه گفتیم و یک کانال دیگر آمد و به آن‌ها هم نه گفتیم، چهار پنج میانجی را بدین منظور فرستادند و می‌دانید که در لبنان، دوستان مشترک زیادی با آمریکا وجود دارند.

العالم: جناب سید حسن نصرالله، هدف شما از این خواسته چه بود، به ویژه اینکه اکنون هجمه گسترده‌ای از سوی آمریکا علیه شما وجود دارد؟

سید حسن نصرالله: آن‌ها مشکلی ندارند، ممکن است که بخواهند با تو بجنگند و برایت مشکل ایجاد کنند و محاصره کنند و بخواهند با تو به شکل مستقیم مذاکره کنند، و رودرو با تو سخن بگویند تا از همه این کارها علیه تو استفاده کنند، این کاری است که در رابطه با ایران انجام می‌دهند. اکنون تمام حکایت ایران و وین چیست؟ آمریکایی‌ها از ایران می‌خواهند که با آن‌ها به شکل مستقیم مذاکره کند، الان کل ماجرا این است، امروز در وین به طور اساسی در مورد این موضوع بحث می‌کنند، به تو می‌گویند که من با تو می‌نشینم و از این رو، از طریق میانجی‌ها بحث بر این است که ما هیچ نیازی نداریم و دیدار می‌کنیم، ما دو دشمنی هستیم که از هم دوریم.

من نمی‌خواهم که مذاکره کنم، ای آمریکایی، در منطقه چه می‌کنی؟ در دنیا چه می‌کنی؟ من فقط به عنوان یک لبنانی با تو سخن می‌گویم، تو از اسرائیل دشمن حمایت می‌کنی، تو مسئول همه جنگ‌های اسرائیل علیه لبنان هستی، تو مسئول همه کشتارهایی هستی که اسرائیل در لبنان

مرتکب شده است، تو به عنوان جاسوس در لبنان در جهت خدمت به اسرائیل دشمن فعالیت می‌کنی، میان من و تو چه چیزی هست (چه وجه اشتراکی هست) که بنشینیم و صحبت کنیم؟ آن‌ها به ما پاسخ دادند که دشمنان پشت سر ما کانال می‌زنند و با یکدیگر سخن می‌گویند، ما به آن‌ها گفتیم که ما از آن دسته دشمنانی نیستیم که با شما سخن بگوییم، او می‌خواهد که این راه را باز کند. مشکل باز کردن روزنه ارتباط با آمریکاست، که درنهایت، وقتی که آمریکایی با تو می‌نشیند، می‌خواهد به تو بگوید: یک، دو، سه، چهار، پنج. (یعنی اینکه هر چه می‌گوید اجرا کنی)، می‌خواهد تو را تحت فشار قرار دهد و می‌خواهد با تو چانه‌زنی کند، می‌خواهد با تو بر سر مسائلی که روا نیست از آن‌ها عقب‌نشینی کنی، با تو چانه‌زنی کند. تا اینکه با منطق سیاسی واقعی سخن می‌گوییم، باید موضوع اصولی و عقیدتی را رها کنیم، او می‌خواهد که با تو درباره موشک‌های با دقت اصابت بالا و درباره سلاح و فلسطین و قدس و موضوعت درباره اسرائیل سخن بگوید، او در لبنان سوای موضوع اسرائیل، با ما مشکل اساسی ندارد.

حزب سیاسی و تعدادی نماینده پارلمان و دو یا سه وزیر در کشور و برخی از مدیران کل .. ساختار کشور چیست؟ این همان چیزی است که می‌خواهد، آنها از سال ۲۰۰۰ به ما پیشنهاد کردند، آنها می‌خواهند به ما بگویند که من می‌خواهم که تحریم‌ها را لغو کنم، اگر بخواهی که چنان کنم و چنان، همه حمله‌ای که علیه تو به کار می‌گیرد، اگر می‌خواهی این کسانی را که به تو ناسزا می‌گویند و تو را فحش می‌دهند و مقالات می‌نویسند، ساکت کنم که دیگر درباره تو چیزی نگویند، باید هرچه را که می‌گوییم انجام دهید و ما اساسا این کار را انجام نخواهیم داد.

العالم: حکایت این یک، دو، سه، چهار چیست؟

سید حسن نصرالله: گفتم که همه‌اش به مقاومت ارتباط دارد.

العالم: یعنی تامین امنیت اسرائیل و نه تهدید امنیت اسرائیل.

سید حسن نصرالله: در سال ۲۰۰۰ و بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، من درباره این موضوع صحبت کردم، و به اختصار بگویم که شخصی نزد من آمد و من پس از آن، نامش را گفتم، وی از طرف دیک چنی آمده بود و معاون رئیس جمهور بود. و گفت ما شما را از لیست (تروریست)ها خط خواهیم زد و پیام را برای من خواند. من اشتباهی کردم و اشتباهم این بود که حاضر نشدم نامه را بگیرم، تا این حد خشمگین بودم. به من گفت این نامه را به تو می‌دهم، گفتم نه بگذار پیش خودت باشه. من برگه‌ای را از آمریکایی‌ها نمی‌گیرم. شروع کرد به خواندن که نام شما را از فهرست تروریست‌ها حذف خواهیم کرد. دوم اینکه، می‌خواهیم شما را مانند جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در جهان به رسمیت بشناسیم، و تویی که برای جلوگیری از ورود شما به دولت لبنان قرار دادیم، حذف می‌کنیم و ما می‌خواهیم که شما در دولت لبنان حضور داشته باشید. ما در آن زمان خواهان آن نبودیم، و شما همچنان سلاح داشته باشید و مشکلی در این نیست، قطعاً موشک نه، زیرا سلاح برای جنگ داخلی، مشکلی ندارد، اما موشک نه .. شما حزب سیاسی هستید که ما شما را به عنوان یک تشکیلات نظامی به رسمیت می‌شناسیم، مشکل شما را از لحاظ حقوقی حل می‌کنیم، همچنین به شما یک میلیارد دلار می‌دهیم. من آن موقع، در قالب مزاح به او گفتم که آن مبلغ را به ما می‌دهید یا به دولت لبنان، گفت نه آن را به تو

می‌دهیم، در داخل چمدان، به او گفتم، با این پول‌ها چه کنم، گفت آباد کنید، مناطقی را که در نتیجه جنگ ویران شده‌اند، آباد کنید، و به مردم خسارت بدهید و محبوبیت خود را افزایش دهید، طرح‌های توسعه اجرا کنید، میلیاردها دلار.

به او گفتم، ماشاءالله به این همه کرم و بخشش، در مقابل چه می‌خواهید؟ بمان، سخنرانی‌های ضد اسرائیل انجام بده، مشکلی وجود ندارد. ما سه چیز می‌خواهیم، اول می‌خواهیم که موضوع فلسطین و قدس و ملت فلسطین و مقاومت فلسطین و حمایت و سلاح و آموزش و حمایت مالی باید متوقف شود. دیگر اینکه باید هیچ اقدامی را علیه اسرائیل انجام ندهی، نه هیچ گلوله‌ای ضد اسرائیل شلیک شود، به او گفتم، حتی اگر اسرائیل به لبنان تجاوز کند، نتوانست پاسخ دهد. مساله سوم در آن زمان از ما می‌خواهند که برای آن‌ها به عنوان یک دستگاه امنیتی در مقابله با تشکیلات القاعده فعالیت کنیم. این مسائل اساساً برای ما قابل بحث و بررسی نیست. یعنی هر چیزی که مقاومت و سلاح مقاومت و وجود مقاومت را که تنها ضامن حمایت از لبنان است، نشانه گیرد قابل چانه‌زنی نیست. چیز دومی وجود ندارد.

نقش حزب الله در تعیین مرزهای لبنان با فلسطین اشغالی

العالم: جناب سید حسن نصرالله، مسائل بسیاری هست که امیدواریم بتوانیم آن‌ها را مطرح کنیم. مساله ترسیم مرزها، جناب سید حسن، مساله هیات آمریکایی که به بیروت سفر کرد و درباره ترسیم مرزها سخن گفت. آیا شما موضعی در این رابطه دارید، یا موضع شما همان موضع دولت لبنان است که شما از آن حمایت می‌کنید؟

سید حسن نصرالله: ببینید، من برمی‌گردم و این موضوع را توضیح می‌دهم، زیرا این موضوع روز است؛ ما در آستانه آزادسازی (جنوب لبنان) در سال ۲۰۰۰ هستیم، زیرا در آن موقع، گفته شد که اسرائیل ممکن است که از یک منطقه عقب‌نشینی کند و در منطقه‌ای دیگر بماند. من در سخنرانی گفتم که ما در حزب الله این موضوع را بررسی کردیم و تصمیم این بود: ما به عنوان مقاومت، در موضوع ترسیم مرزها دخالت نمی‌کنیم، زیرا از نظر ما، چیزی به نام اسرائیل وجود ندارد، چیزی به نام مرزهای با اسرائیل وجود ندارد، باید برویم و بخشی از ترسیم با آن‌ها باشیم، ما وجود اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم. در مقابل، سرزمینی به نام فلسطین وجود دارد و در رابطه با آب، آب‌های فلسطین وجود دارد. از این رو، ما موضعی اصولی داریم که پیشینه آن به معنای واقعی کلمه عقیدتی است، یعنی اولین باری است که ممکن است کمی درباره آن توضیح دهیم. برای همین از همان اول راه گفتیم که ای دولت لبنان طبیعی است که بخواهید مرزها را تعیین کنید، خیلی خب مرزها را تعیین کنید و ما در موضوع تعیین مرزها دخالت نمی‌کنیم.

تا اینجا صحبت بحث مرزهای آبی و زمینی بود، بعد از آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ یک حرکتی به وجود آمد و هیئت‌های سازمان ملل آمدند و رفتند و هیچ بحثی در خصوص تعیین مرزها نبود بلکه مرزهای مرسوم معمولاً به رسمیت شناخته می‌شد و برخی مناطق مورد اختلاف وجود داشت مانند مزارع شبعا، ما هیچ دخالتی در موضوع نمی‌کردیم و نمی‌گفتیم این تپه متعلق به ماست یا آن تپه متعلق به ما نیست یا این دشت متعلق به ماست و آن یکی نیست، دولت در آن زمان چه می‌گفت؟ ارتش در آن زمان موضوع تعیین مرزها را دنبال می‌کرد و هر چه گفته می‌شود از زبان مسئولین این موضوع است. در موضوع دریا هیچ مرز مشخصی وجود نداشت و این فرق آن با مرزهای زمینی است، چرا که در زمین مرز مشخص است، مثلاً فلان جا مرز است و فلان جا نقطه مورد اختلاف است، در دریا می‌خواستند مرزها را ترسیم کنند، از ابتدا ما مسئول ترسیم مرز نبودیم.

سازمان‌های مختلف دولت لبنان در خصوص آن تصمیم‌گیری می‌کند، یعنی تصمیم را یک نفر در دولت لبنان نمی‌گیرد، موضوع تعیین مرزها یک موضوع راهبردی است که ربطی به مساحت ندارد، بلکه مسئله مربوط به سهم آب لبنان و منطقه اقتصادی و غیره است. دولت لبنان هر چه که مقرر کند و بگوید این مرزهای ماست همان مرزهای ما خواهد بود و السلام.

من به عنوان مقاومت به این مرزها پایبند خواهم بود و در تعیین آن دخالت نمی‌کنم، اجازه بدهید اضافه کنم که خیلی‌ها از ما سوال می‌کنند که موضع حزب الله چیست؟ به آنها گفتیم که علیرغم اینکه ما در حزب الله سازمان‌های متخصص در بحث‌های از این دست داریم، اطلاعات داریم و نقشه داریم و غیره در درون حزب الله بحث نکردیم که مرزهای دریایی کجاست.

می‌گویند چرا شما خط ۲۹ یا خط ۲۳ را تأیید می‌کنید؟ می‌گوییم که ما اصلاً در موضوع تعیین مرزها دخالت نکردیم چون نمی‌خواهیم در این موضوع وارد شویم، ما خودمان را مسئول این بحث‌ها نمی‌دانیم. دو مسئله وجود دارد، به عنوان یک شهروند لبنانی امیدوارم که مساحتی که در جریان این مذاکرات آزاد می‌شود بزرگ باشد، این مسئله طبیعی و منطقی است اما ما یک سری اصولی داریم، یک سری صحبت‌های می‌شنویم که اصلاً نمی‌شود به آنها گفت تعیین مرز، ما یک اصلی داریم که هر موضوعی که شبهه همکاری یا سازش با دشمن را باعث شود ضد آن هستیم و از الان می‌گوییم ضد آن هستیم، مصداق‌های این مسئله ممکن است مورد بحث باشد که آیا به نوعی سازش به حساب می‌آید یا نه، این اصول ماست، اما چون تصمیم‌گیری با دولت لبنان است ما نظر خودمان را تحمیل نمی‌کنیم. تصمیم دولت لبنان که امیدواریم ثابت بماند این است که هیچ سازشی با دشمن صورت نگیرد، در کل ما ضد هر گونه سازش یا امور مشابه آن هستیم و غیر از آن در مسئله‌ای دخالت نداریم.

خواسته‌های کشورهای عربی خلیج فارس از لبنان

العالم: جناب نصرالله می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و از پیشنهادات کویت که به لبنان ارائه شده است صحبت کنم، موضع شما در خصوص پیشنهادات ۱۲ گانه خصوصا قطعنامه ۱۵۵۹ و مسئله بی‌طرفی و حملات لفظی علیه کشورهای منطقه خلیج فارس چیست؟

سید حسن نصرالله: ببینید، ما در آن زمان نمی‌خواستیم نظری بدهیم و اصلا کسی از ما نظری نخواست، جواب را دولت لبنان و مسئولین لبنانی باید بدهند، آنها بین خودشان مسئله را بررسی کردند و جواب را فرستادند و منتظر جواب کشورهای عرب هستند برای همین در دوره قبل ما نظری ندادیم چرا که مسئول جواب دادن به این پیشنهادات نبودیم و ما طرف مخاطب پیشنهادات کشورهای عربی نبوده ایم، اما اینجا می‌خواهم به صورت کلی بگویم، می‌گوییم که لبنان در نهایت دولت مستقلی است و امیدواریم که مستقل باشد و درست نیست که کسی بیاید و یک سری شروط را به لبنان دیکته کند، به طور کلی ۱۲ پیشنهاد آوردند و گفتند ۵ روز برای پاسخ فرصت دارید، این مسئله خوب نیست، این در مورد شکل کلی پیشنهادات. می‌خواهم بیشتر از این بگویم، یک بار می‌آیند می‌گویند که ای دولت لبنان این طرح پیشنهادی ماست و ما می‌خواهیم در خصوص آن با شما مذاکره کنیم، ما عضو کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس هستیم و لبنان را دوست داریم و ما یک سری نظرهایی داریم و معتقدیم که این مسائل را از شما باید مطالبه کنیم پس خوب است که گفتگو کنیم و یک ساز و کار لبنانی - عربی یا لبنانی - خلیجی ایجاد کنیم، ما با این نوع از مذاکرات مشکلی نداریم، ما نمی‌خواهیم موضعی بگیریم و به دولت بگوییم که نباید گفتگوهای لبنانی - عربی یا لبنانی - خلیج فارسی رخ بدهد بلکه بالعکس بروند و گفتگو کنند، حتی گفتگوهای لبنانی - سعودی و لبنانی - اماراتی و هر چه که آنها می‌خواهند.

چون گفتگو هیچ مشکلی ندارد، این شکل از گفتگوها خیلی بهتر از این بود که یک نفر بیاید و برای شخص دیگری امتحان برگزار کند و از او بخواهد که به این امتحان جواب بدهد که این درست است و این غلط، این موضع در خصوص لبنان مناسب نیست، وقتی به مضمون نگاه می‌کنیم ما طرفدار گفتگو هستیم که دولت لبنان گفتگو کند، اگر از ما خواسته شود که بخشی از گفتگو باشیم این موضوع قابل بحث است یعنی من و برادرانم به این موضوع زیاد فکر نکرده ایم.

العالم: گفتگو در خصوص مسائل موجود.

سید حسن نصرالله: گفته می‌شود که در امور داخلی کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای عربی دخالت نشود، خوب است، بیاید بنشینید و صحبت کنیم، من دو سوال دارم، در این پیشنهادات توقف دخالت عربستان در لبنان وجود ندارد، آیا کسی هست که بحث کند که آیا عربستان در لبنان دخالت دارد یا خیر؟ همه می‌دانند که عربستان در لبنان دخالت می‌کند؛ عربستان در لبنان دخالت می‌کند، امارات در لبنان دخالت می‌کند، کشورهای حاشیه خلیج فارس در لبنان دخالت می‌کنند، کشورهای عربی دیگر در لبنان دخالت می‌کنند، دنیا دخالت می‌کند.

وقتی تو می‌آیی از لبنان و لبنانی‌ها یا یک طرف لبنانی می‌خواهی که در امور کشورهای عربی دخالت نکند، خب من می‌گویم که ما در امارات و عربستان و هیچ کشور دیگری دخالت نمی‌کنیم، اگر ما در کنار ملت یمن که علیه آن جنگ به راه انداخته اید می‌ایستیم دخالت در امور آنها نیست،

جنگ سختی علیه یمنی‌ها به راه انداخته اند، من اینجا حامی مردم مظلوم یمن هستم، من در امور عربستان دخالت نمی‌کنم، سعودی بود که به یمن تجاوز کرد و یمنی‌ها به سوی عربستان نیامدند. ما در امور داخلی دخالت نمی‌کنیم.

شما نه فقط در امور داخلی لبنان بلکه در امور داخلی کشورهای منطقه دخالت می‌کنید، در سوریه دخالت کرده و همچنان می‌کنید، شما در سوریه ۱۰ سال جنگ به راه انداختید، آیا این دخالت نیست؟ در عراق هر ساعت دخالت می‌کنید، در لیبی، تونس دخالت می‌کنید، در یمن با جنگ و سیاست دخالت می‌کنید، در سودان دخالت می‌کنید و این مسئله مشخص است، کسی که از دولت لبنان یا یک حزب لبنانی می‌خواهد که در امور داخلی اش دخالت نکند باید از خودش شروع کند، این مسئله مورد بحث است، یعنی اگر من لبنانی باشم و بخواهم مذاکره کنم مشکلی ندارد، بیا و من با تو توافق می‌کنم، نمی‌خواهی در امور داخلی ات که اصلاً در آن دخالتی ندارم دخالت نکنم؟ این موضوع قابل بحث است، تو هم نباید در امور داخلی ما دخالت کنی، آیا قبول می‌کند یا نمی‌کند؟

ما نباید فقط طرفی باشیم که به ما دیکته می‌شود، این مورد اول، مورد دوم اینکه در خصوص حملات لفظی، حملاتی که به کل دولت لبنان و ملت لبنان و مسئولین لبنان از رئیس جمهوری به پایین از طرف رسانه‌های وابسته به کشورهای خلیج فارس و روزنامه‌ها و ارتش‌های سایبری خلیج فارس در پیشنهادات آنها ندیده ایم؛ فقط دیدیم که کسی نباید در لبنان نفس بکشد، نباید کسی در لبنان دهانش را باز کند، نباید کسی حرف بزند یا کلمه‌ای در لبنان بنویسد، اما آنها چکار می‌کنند؟

این موضوع باید مورد بحث قرار بگیرد، در خصوص موضوع مقاومت و قطعنامه‌های بین المللی من اگر با عرب‌ها بنشینم و به آنها بگویم که خب موضوع سلاح مقاومت و قطعنامه ۱۵۵۹ و اینکه لبنان در دایره تهدید و خطر است و این موضوع مرزهای دریایی و نفت و گاز و غیره و تهدیدهای اسرائیل، جایگزینی که به ما می‌دهید چیست؟ یعنی شما به عنوان کشورهای حاشیه خلیج فارس راه حل جایگزین تان چیست؟ ما از کشورمان حمایت می‌کنیم، جایگزین به ما معرفی کنید، در واقع آنها اهل منطق نیستند و جایگزینی ندارند و تمام آن چیزی که می‌خواهند همان چیزی است که گفتیم.

میزان انتشار موشک‌های مقاومت و تعداد این موشک‌ها و اقدامات امنیتی اتخاذ شده درخصوص آنها، هیچ یک به آنها اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. صحبت کردن آنها از مسئله‌ای آن هم در چنین سطحی، مبالغه است. وقتی می‌گویند می‌خواهیم موشک‌های نقطه زن مقامات در لبنان را نابود کنیم، یعنی این کار نیازمند یک جنگ است و عملیات نظامی محدود برای آن کافی نیست. در هر حال، عملیات نظامی هم واکنش‌های در خور، قوی و بازدارنده‌ای از سوی مقامات لبنان در پی خواهد داشت.

ما در آخرین بمباران اسرائیلی که مکان‌های خالی را هدف قرار داده بود نیز سکوت نکردیم، پس چگونه در مقابل بمباران مکان‌های مهم سکوت کنیم؟ من به شما می‌گویم ممکن است در عمل اسرائیل قادر به کار باشد یا نباشد، ولی ما در اینجا می‌خواهیم این موضوع را در سطح نظری بررسی کنیم که آنها چگونه می‌خواهند با توانمندی موشکی ما مقابله کرده و آن را نابود کنند.

ما از کشورمان حمایت می‌کنیم. اگر سلاح ما را می‌خواهند به ما جایگزینی پیشنهاد دهند. در حقیقت آنها هیچ منطق، جایگزین و گزینه‌های دیگری ندارند. تمام آنچه می‌خواهند همان چیزی است که در ابتدای صحبت گفتیم. تاکنون جنگ نظامی علیه مقاومت در لبنان بی‌نتیجه بوده و در سال ۲۰۰۶ هم آن را دیدیم. عملیات‌های امنیتی حتی یک روز علیه حزب الله متوقف نشد و باز هم نتوانستند سد راه مقاومت شوند. حتی با فشار سیاسی هم به نتیجه نرسیدند، لذا به مسئله اقتصاد و معیشت روی آوردند و مشکلات اقتصادی را بر گردن حزب الله انداخته و سپس، به مردم گفتند که اگر نان می‌خواهید، باید سلاح مقاومت را تحویل دهید. حزب الله هیچ مخالفتی با گفتگوی لبنان با دولت‌های خلیج فارس و عربی ندارد. ما با منطق با آنها سخن می‌گوییم و برپایه منافع ملی لبنان با آنها مذاکره می‌کنیم.

العالم: به نظر شما آیا این مسئله برای تبادل نظر مطرح شده یا اجبارا انجام می‌شود؟ یعنی اگر این کار انجام نشود تحریم‌هایی به دنبال دارد؟

سید حسن نصرالله: تحریم‌ها وجود دارد و دیگر چیزی برای تحریم شدن نمانده است. آنها هر کاری که می‌توانستند انجام داده اند. من دریافتیم که حامل این پیشنهاد همان شخصی است که خبر را به ما می‌دهد و نیازی به نشستن پای میز مذاکره و گفتگو نیست.

پیامدهای عدم شرکت سعد حریری در انتخابات پارلمان لبنان

العالم: درخصوص تصمیم نخست وزیر سعد الحریری مبنی بر شرکت نکردن در انتخابات و تعلیق همکاری سیاسی با جریان المستقبل، به نظر شما این گام تاثیری بر روند انتخابات و چشم انداز سیاسی لبنان خواهد داشت؟ آیا این کار باعث ایجاد خلأ خواهد شد و اعتدال سنی‌ها را به سمت تندروی خواهد برد؟

سید حسن نصرالله: ما هیچ بیانیه یا موضعی صادر نمی‌کنیم، زیرا پس از اعلام موضع سعد الحریری فضا دچار نوعی مزایده کلامی شده است. اما ما از طریق ارتباط با برخی دوستان مشترک در روزهایی که در اینجا حضور داشتند و من به یکی از این دوستان مشترک پیش از اعلام تصمیم الحریری که ما از آن اطلاع داشتیم پیام دادم، نسبت به تجدیدنظر در این تصمیم ابراز امیدواری کردیم. ما در رسانه‌ها چیزی نگفتیم تا نگویند که حزب الله چپلوسی یا دورویی می‌کند، با اینکه واقعا این کار را نمی‌کند، یا اینکه حزب الله می‌خواهد از شرایط سوء استفاده کند یا درصدد اشغال بخشی از سهم سنی‌ها است، همانطور که پیشتر درپی اظهار برخی مواضع ما، گفته شده بود.

ما می‌گوییم که این تصمیم تاسف آور است. امیدوار بودیم این اتفاق نیفتد اما افتاد. آیا تاثیری بر انتخابات دارد؟ بله، البته. با وجود غیبت جریان بزرگی مثل "المستقبل"، این تاثیر بسیار گسترده خواهد بود. هنوز چشم انداز روشنی وجود ندارد. باید اندکی منتظر بمانیم تا مشخص شود که پس از خروج جریان المستقبل از انتخابات مجلس، چه اتفاقاتی خواهد افتاد.

موضوع اعتدال و صحبت از باز شدن راه تندروی به نظر من بسیار مبالغه آمیز است. عموماً خصلت برادران اهل سنت ما در لبنان، اعتدال است. آنها فرهنگ و ساختار خاص خود را دارند. حالت‌های تندروی که بوجود آمده محدود بود و حتی می‌توان گفت که به صورت سرخود اتفاق افتاد. لذا نگرانی از بابت این نیست که سنی‌های لبنان از اعتدال به سمت تندروی حرکت کنند، نه مسئله این نیست. نگرانی ما از این است که وقتی چنین جریان بزرگی به این صورت عقب‌نشینی می‌کند، نوعی ناامیدی و پس رفت در فعالیت کلی کشور برجای می‌گذارد. این کار بر ائتلاف و فرمول سیاسی ترکیبی جدید نیز تاثیر می‌گذارد. بله چنین اتفاقی تاثیرگذار است اما اینکه کسی بیاید و اهل سنت لبنان را متهم کند که خروج جریانی سیاسی از انتخابات، که البته ممکن است به عرصه سیاسی بازگردد، میدان اسلامی سنی لبنان را به سیطره گروه‌های تندرو و تکفیری سوق خواهد داد، حتی اگر مصداقی هم داشته باشد، مبالغه است. اهل سنت رهبران، علما، چهارچوب‌ها، مراجع و ارزیابی‌هایی دارند، لذا ما از این بابت نگرانی نداریم.

هدف حزب الله از شرکت در انتخابات پارلمان

العالم: درخصوص پروژه حزب الله و شعاری که با آن در انتخابات مشارکت خواهد کرد، بخصوص با هجمه‌های تندى که از سوى دشمنان و معاندان در انتخابات تحت عنوان ضربه زدن به حزب الله و خلع سلاح مقاومت صورت می‌گیرد، چشم انداز انتخابات را چگونه می‌بینید؟

سید حسن نصرالله: مانند انتخابات گذشته و پیش از آن، شعاری که برادرانمان تعیین می‌کنند رسماً اعلام خواهد شد. مثلاً "باهم کشور را می‌سازیم"، "به حمایت و سازندگی ادامه خواهیم داد" یا "همیشه در کنار هم" یا عبارت‌هایی مشابه اینها. اساس حضور ما در مجلس و انتخابات آن، همواره از اصول روشن و ثابتی سرچشمه می‌گیرد. قبلاً شعارمان "حمایت از طرح مقاومت" بود و البته این شعار و این مساله همچنان پابرجاست. اما امروز شعاری که برخی طرف‌ها سر می‌دهند، "جنگ علیه مقاومت" است. شاید در سالهای ۲۰۱۸ و یا ۲۰۱۹ چندان این شعار واضح و آشکارا نبود اما در انتخابات فعلی به وضوح دیده می‌شود. برخی علناً اعلام می‌کنند که "طرح انتخاباتی آنها اجرای قطعنامه ۱۵۵۰ است و یا آنکه طرح انتخاباتی ما خلع سلاح مقاومت است."

از این رو در انتخابات پارلمانی شاهد حملاتی هستیم که عنوان اصلی آنها "جنگ علیه مقاومت و خلع سلاح مقاومت و محاصره مقاومت" است. اما در واقع حمایت از مقاومت موجب حمایت از کشور می‌شود. ما به ملت لبنان و یا رای دهندگان می‌گوییم که بیایید از ما حمایت کنید. این مقاومت که از شما حمایت می‌کند، شما باید از لحاظ سیاسی در پارلمان و دولت از آن محافظت کنید.

مهم است که مقاومت در مجلس نمایندگان دوستان بسیاری داشته باشد. این مساله مصونیتی ایجاد می‌کند. امروز مقاومت دوستان و دشمنانی دارد و برخی افراد بی‌طرف هستند یعنی نه با مقاومت و نه علیه آن هستند. از این رو اشتباه است که بگوییم امروز دو گروه وجود دارند زیرا برخی حامی مقاومت هستند و برخی علناً می‌گویند که علیه مقاومتند و برخی دیگر بی‌طرفند. این افراد می‌گویند که اگر مقاومت وجود دارد ما با آن کنار می‌آییم و اگر نباشد، اهمیتی ندارد. ما این گروه را دشمن نمی‌دانیم و خطری برای مقاومت نمی‌دانیم. این دسته بندی با دسته بندی ۸ مارس و ۱۴ مارس متفاوت است.

از سوى دیگر حضور ما در مجلس نمایندگان در راستای خدمت به منافع مردم است. تلاش‌های ما در طول سال‌های گذشته در مجلس در همین راستا بوده است. حضور ما در مجلس همچنین بر انتخاب رییس و تشکیل دولت تاثیر دارد. این امر در راستای تحقق دو هدف است: نخست حمایت از مقاومت که ضامن کشور در مقابل تهدیدات و جاه طلبی‌های اسرائیلی است و هدف دوم که یک مساله داخلی است به بازسازی دولت و اوضاع اقتصادی و منافع مردم مرتبط می‌شود.

هدف اسرائیل از عادی سازی روابط با دولت های عربی، ناامید کردن مردم فلسطین

العالم: در مورد مسأله فلسطین شاهد روند سازش هستیم. هرتزوغ و بنی گانتز به امارات و بحرین سفر کرده اند. ما با روند سازش رو به رو هستیم. به نظر شما این روند تا کجا به نفع (طرفین) است و سازشکاران چه نتیجه ای دنبال می کنند؟

سید حسن نصرالله: رژیم صهیونیستی چه هدفی را از سازش دنبال می کند. می خواهد فلسطین را تصاحب کند. سران این رژیم همگی به دنبال همین هستند. آنها جامعه بین المللی را هم متقاعد کرده اند زیرا جامعه بین المللی بدون توجه به یکپارچگی مرزهای فلسطین و هویت این کشور، به موضوع راه حل دو کشور توجه دارد. کشور فلسطین یک کلیت یک پارچه است که دارای جغرافیا و حاکمیت و آسمان بندر و فرودگاه و ارتش است و این بحث دیگری است. اما اصل دو دولت، این رژیم سعی می کند بحث دو دولت را نادیده بگیرد و بگوید راه حل این است که اسرائیل در سراسر خاک فلسطین بنا شود. اما در مورد غزه تسامح می کند و می گوید مردم غزه می توانند دولت خود را در غزه تشکیل دهید. اما در کرانه باختری، واحد جغرافیایی مستقلی نیست بلکه صرفا یک تشکیلات خودگردان در حد یک شهرداری عریض و طویل است نه بیشتر و این منطقه از نظر جغرافیایی ارتباطی به فلسطین ندارد. منظور اسرائیلی ها از راه حل همین است.

در مورد فلسطینی های خارج هم گفته می شود که آنها در کشورهای میزبان می مانند و تابعیت آنجا را می گیرند. حتی خیلی از کشورها فلسطینی ها را ترغیب به مهاجرت می کنند و به آنها تابعیت و خانه و فرصت شغلی می دهد و به تدریج فرزندان آنها در آنجا بزرگ می شوند و خود را تابع آنجا می دانند و رفته رفته فلسطین را فراموش می کنند. اما این موضوع تا کنون محقق نشده است و یکی از دلایل آن، پیوند فلسطینی های موجود در خارج با فلسطینی های داخل است نه فقط در کرانه باختری و غزه حتی داخل اراضی ۴۸ که برخی امیدوار بودند که آنها تغییر هویت داده و فلسطین را کلا رها کرده اند و تجربه عملیات شمشیر قدس این حقیقت را ثابت کرد.

اسرائیل قصد دارد که کارها را به این مسیر بیندازد و با خود می گوید وقتی که من برای سازش با کشورهای عربی می روم و روابط اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک با آنها برقرار می کنم، فلسطینی ها تنها می مانند و نمی توانند هیچ کاری کنند و ناچار هستند همانطور که ترامپ گفت، به اندک خرده نانی که اسرائیلی ها جلوی آنها می ریزد رضایت دهند. در حالی که حتی یک فلسطینی به این خرده نان های اسرائیلی رضایت نخواهد داد. اسرائیلی ها بازی زمان را انجام می دهند، بازی ناامیدی. بنابراین اینجا می خواهند از عادی سازی سود ببرند و اتحادی ایجاد کند که بتواند با محور مقاومت مقابله کند. من معتقدم تهدید واقعی از طریق عادی سازی این است که مردم فلسطین را به ناامیدی و سرخوردگی سوق دهد.

من حتی در تظاهرات هایی که گاهی در قدسیا الخلیل انجام می شود، می بینم که عده ای از شهرک نشینان می آیند و خطاب اعراب می گویند: «بفروشید»، ما الان در دبی و منامه هستیم و سپس به ریاض خواهیم رفت و همه اینها در چارچوب این نبرد است. هدف اصلی عادی سازی این است که مردم فلسطین به ناامیدی، سرخوردگی، افسردگی، احساس شکست کامل برسند. از طرفی مردم فلسطین مصمم هستند و فداکاری

می‌کنند و مردمی توانا هستند و از طرف دیگر مردم عرب همچنان در بحث هستند و در شبکه‌های اجتماعی می‌بینید که توییت‌هایی در حمایت از این موضوع وجود دارد.

العالم: همچنین موضع قابل توجهی برای الجزایر در خصوص رد رژیم صهیونیستی به عنوان ناظر در اتحادیه آفریقا وجود دارد، آیا این موضع الجزایر تأثیر در مخالفت با عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی داشت؟

سید حسن نصرالله: البته این موضع بسیار ستودنی است و این همان چیزی است که از کشور الجزایر انتظار می‌رود، کشوری که تلاش می‌کند از فلسطین به طور کامل دفاع کند و این مسئله از پرداختن به موضوع فلسطین در اجلاس الجزایر مشخص است و این کشور آفریقایی با دادن عنوان اجلاس به فلسطین، سایر کشورهای عربی را شرمند می‌کند. تلاشی که برای گرد آوردن گروه‌های فلسطینی و هیات‌هایی که به الجزایر رفتند انجام شد و دیدارهایی که درباره این موضوع برگزار شد، ما شاهد بازگشت کشوری مهم و موثر در جهان عرب یعنی الجزایر به پرونده فلسطین هستیم و احیای موضعش درباره مساله اتحادیه آفریقا که موضعی عظیم است. تلاشی که الجزایر انجام داد درباره موضوع سوریه و ترسیم روابط و بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، موضعی مهم است، این به آن معنی است که ملت‌ها امیدوارند، پس می‌توانم بگویم که عادی سازی هرگز نتیجه نخواهد داد. این عادی سازی فقط با رادیوها و تلویزیون‌ها و ارتش‌های الکترونیکی انجام می‌شود اما نزد ملت‌های عربی و اسلامی، این فقط توهم و خیال است و هرگز تحقق نمی‌یابد، تنها هدف آن ایجاد ناامیدی در مردم فلسطین است که آن نیز انشاء الله هرگز محقق نخواهد شد.

وسعت وحشت متجاوزان به یمن از واکنش انصارالله

العالم: درباره مساله یمن تحولی در حمله به عمق امارات از سوی ارتش و کمیته‌های مردمی یمن و جنبش انصارالله حادث شده است، این تحول باعث ایجاد جنجال بین المللی شد و طرفهای بین المللی، منطقه ای، عربی و غیره آن را محکوم کردند، چگونه به این تحول پاسخ می‌دهید، آیا بر روند تجاوز به یمن تاثیر خواهد گذاشت؟

سید حسن نصرالله: به همه دنیا می‌گوییم که جنبش انصارالله از ۷ سال قبل چنین کاری انجام نداده بود، انصارالله از طریق سخنگویش و سخنگوی ارتش یمن و رهبری انصارالله اعلام کرد که بازگشت امارات و ورود آن به جنگ یمن و مشارکتش در این جنگ با واکنش همراه خواهد بود و این واکنش تا وقتی امارات به این مسیر ادامه دهد، استمرار خواهد یافت. حل مساله با امارات آسان است، حل آن بود که در سالهای گذشته می‌توانستند از روند جنگ خارج شوند و در آن دخالت نکنند، این همان موضوعی است که عبدالملک الحوثی گفت، نه من بلکه آنها تصمیم گیرنده هستند، من آنچه را که از آنها از طریق رسانه‌ها می‌شنوم، بازگو می‌کنم، درصورتیکه امارات از روند جنگ خارج شود، ارتش یمن و انصارالله هیچ مشکلی برای حل این مشکل ندارند.

العالم: چه کسی امارات را مجدداً وارد جنگ کرد، امارات که عقب‌نشینی کرده بود؟ به نظر شما هدف از ورود مجددش چیست؟ آیا خودش تصمیم گرفته یا به آن وادار شده است؟

سید حسن نصرالله: به طور حتم به آن وادار شده است، درصورتیکه بخواهیم این مساله را به طور خلاصه تحلیل کنیم، می‌توانیم مساله مأرب را مطرح کنیم که تحت سیطره ارتش و کمیته‌های مردمی قرار گرفته است، پژوهشگران یا دولتمردان آمریکا اعلام کردند که درصورتیکه مأرب سقوط کند، سعودی و آمریکا جنگ را می‌بازند، این همان معادله است، به همین دلیل ممنوع است که شهر مأرب سقوط کند، این به آن معنی است که ممنوع است شهر مأرب توسط نیروهای یمنی آزاد شود، از اینجا بود که فشارهای نظامی آغاز شد، اما بمباران روزمره نیز نتوانست معادلات میدانی را تغییر دهد.

یگانی به نام عمالقه در ساحل الحیدیه حضور داشت که وابسته به امارات است و از سوی این کشور تامین مالی می‌شود، به نظر می‌رسد که این یگان بود که از امارات خواست مداخله کند، سعودی و حامیانش در یمن هرگز نمی‌توانستند به تنهایی کار مأرب را یکسره کنند لذا می‌بایست یک عضو جدید وارد معادله می‌شد، پس از مدتی یگان عمالقه از ساحل به استان شبوه انتقال یافت و جبهه جدیدی را در آنجا با انصارالله گشود تا فشار بر مزدوران در مأرب کاهش یابد و بتوانند به طرف آن پیشروی کنند.

انصارالله اعلام کرد که اماراتی‌ها فقط گروه‌های مسلح را با انواع سلاح، امکانات و پول وارد صحنه نکردند بلکه خودشان نیز وارد صحنه شدند، امارات با پهباد و نیروی هوایی وارد نبرد شبوه شد، شکست آمریکا و سعودی در مأرب باعث شد به این موضوع فکر کنند که طرف دیگری را وارد صحنه یمن کنند که بتواند موازنه قوا را برقرار کرده و مانع پیروزی انصارالله شود، لذا امارات را ترجیح دادند. ممکن است امارات نیز تصور کرده که انصارالله قادر به پاسخگویی نیست که این طرز فکر نشانه ارزیابی اشتباهشان از مسائل و روابط منطقه‌ای است.

ارزیابی اشتباه باعث نتایج اشتباه می‌شود، آنها اشتباه کردند که فکر کردند انصارالله وقتی بخواهد تصمیم به گشودن یک جبهه یا نشان دادن واکنش کند یا توافقی را انجام دهد یا عقب‌نشینی کند، از ایران اجازه می‌گیرد، این ارزیابی اصلاً درست نیست، این تصمیم توسط رهبری انصارالله اخذ شد، تاکید می‌کنم که تمام همپیمانان، دوستان و حامیان معنوی و سیاسی انصارالله و در راس آن ایران از این اعلام اطلاع داشتند همانگونه که اماراتیها وقتی بمباران انجام می‌شد از آن اطلاع داشتند.

العالم: نتیجه این است که امروز حفاظت آمریکایی‌ها وجود دارد، گفتند برای حفاظت از امارات نیروی کمکی از ناوشکن کول، اف ۲۲ و امثال اینها ارسال می‌شود. به نظر شما این موضع آمریکا شاید در مسیر جنگ تاثیرگذار باشد؟

سید حسن نصرالله: این نشان‌دهنده وسعت وحشت، ترس و سردرگمی است که در امارات به وجود آمده است، دهه‌ها است که آمریکایی‌ها به آنها کشتی، نیروی هوایی، فناوری و غیره و همه چیز می‌دهند. از آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها اسلحه می‌گیرند و از همه کشورهای دنیا اسلحه می‌گیرند و در اولین رویارویی از دنیا درخواست کمک می‌کنند که این نشان‌دهنده ضعف اماراتی‌ها است. ضرب المثل رایجی است که می‌گویند (هرکس خانه شیشه‌ای دارد به مردم سنگ پرتاب نکند).

قبلاً هم گفتم که امارات کشور شیشه‌ای است و شهرهای شیشه‌ای دارد و زمانی که این کشور شیشه‌ای است، چرا درگیر این جنگ شدند، انصارالله از روز اول اعلام کرد که با امارات مشکلی ندارد، اما این اماراتی‌ها هستند که به یمن حمله کردند، چیزی که در حقیقت از امارات محافظت می‌کند، عقب‌نشینی آن از یمن و عدم مداخله آن در سایر امور عربی است.

حزب الله تا کی در سوریه باقی خواهد ماند؟

العالم: در مورد سوریه، حزب الله برای مبارزه با تروریسم و حفاظت از لبنان وارد سوریه شد و در این امر موفق شد، حزب الله تا کی در سوریه باقی خواهد ماند؟ آیا مدت زمان مشخصی برای انصراف وجود دارد؟

سید حسن نصرالله: در سوریه می توان گفت که جنگ بزرگ و جنگ جهانی و منطقه ای بدون ثمر به پایان رسیده است، اما امور در سوریه همچنان نیازمند مراقبت است، زیرا در شمال سوریه ده ها هزار شبه نظامی وجود دارد و گروه های مسلح که در میان آنها گروه های افراطی و تکفیری هستند، همچنان تهدید به شمار می روند. آمریکا در حال غارت در مناطق شمالی سوریه است. آمریکایی ها در شرق فرات چه می کنند، همه می دانند که نفت و گاز می دزدند. آمریکا نفت و گاز واقع در شرق فرات را غارت می کند.

نقش حزب الله در عراق

العالم: نیروهای آمریکایی طبق خواسته عراقی‌ها از خاک عراق خارج نشدند، فکر می‌کنید اکنون چه سناریوهایی برای خروج نیروهای آمریکایی وجود دارد؟ با توجه به اینکه شما در محور مقاومت بخاطر اعلام اینکه نیروهای آمریکایی باید همگی از منطقه خارج شوند، شما هم با این مسئله ارتباط دارید.

سید حسن نصرالله: این موضع را عراقی‌ها اختیار می‌کنند و به آن عمل میکنند. بعد از شهادت دو فرمانده بزرگ حاج قاسم و حاج ابومهدی، رحمت خداوند بر آنها باد، تظاهراتی میلیونی در بغداد شکل گرفت و خواستار خروج نیروهای خارجی از عراق شد. پارلمان عراق نیز قانون آن را تصویب کرد و دولت عراق مسئول پیگیری این قانون بود که نیازمند پیگیری است. پارلمان فعلی عراق، دولت جدید، دولت فعلی، مردم عراق و جناح‌های مقاومت همگی خواهان این مسئله اند. این تصمیم آنها است و باید آن را پیگیری کنند و این مسئله را رها نکنند. تصمیم خروج نیروهای آمریکایی از عراق، تصمیمی تعیین‌کننده برای مردم عراق است، و به هر نحوی که بخواهند می‌توانند آن را عملی کنند. مجلس، دولت، فشار سیاسی، تظاهرات مردمی، فشار مردمی، جناح‌های مقاومت، این مسئله داخلی آنها است.

العالم: درخصوص نقش حزب الله در حل اختلافات میان احزاب عراق بخصوص موانع موجود در برابر تشکیل دولت عراق، آیا کمکی به آنها می‌کنید؟

سید حسن نصرالله: ما هم در گذشته و هم در حال حاضر براساس دوستی و روابط قدیمی خود یعنی پیش از سال ۲۰۰۰ و پس از سقوط رژیم عراق، روابط گسترده و دوستی‌های قوی با بسیاری از نیروهای سیاسی، شخصیت‌ها و مراجع عراق داشته ایم، بطوری‌که گاهی از ما خواسته می‌شود در حد توانمان برای هم گرایی دیدگاه‌ها در راستای اتحاد برای حل بحران‌ها کمک کنیم. ما فقط در همین چهارچوب نقش آفرینی می‌کنیم.

علی‌رغم سرکوب شدید، عزم و ارادهٔ مردم بحرین به قوت خود باقی است

العالم: نظر شما نسبت به تجاوزهایی که در بحرین اتفاق می‌افتد چیست؟ به نظر شما مردم بحرین می‌توانند در سایه این تجاوزها، مطالبات خود را بدست آورند؟

سید حسن نصرالله: درخصوص بحرین، طبیعتاً اگر به مردم این کشور اجازه ابراز عقیده داده می‌شد، در ابتدای انقلاب یا جنبش یا قیام یا هرآنچه اسمش را بگذارید در ۱۴ فوریه و تظاهرات گسترده‌ای که در آن اتفاق افتاد، عقیده خود را ابراز می‌کردند. اما آنچه در بحرین اتفاق افتاد سرکوب شدید، کشتار تظاهرات کنندگان، بازداشت علما، رهبران، افراد برجسته، هزاران جوان و زن، شکنجه در زندان‌ها، سلب تابعیت، اخراج بسیاری از شهروندان بحرین و مدد جستن از نیروهای خارج از بحرین یعنی "سپر جزیره" در این کار بود.

ارتش بحرین، پلیس بحرین و دستگاه‌های امنیتی که توسط انگلیس در بحرین اداره می‌شوند به مقابله با غیرنظامیان بی‌دفاع بسنده نکردند. آنها اتحاد نظامی "سپر جزیره" را به کار گرفتند که ارتشی نظامی است و تانک و ابزارهای نظامی را به وسیله سربازان از پل رابط عربستان و بحرین عبور می‌دهد و هنوز برپا است. آنها گمان کردند که با عملیات نظامی و سرکوب مشکل را حل کردند، آن‌هم در مقابل کسانی که حمله مسلحانه نکرده بودند بلکه اقدام به تظاهرات و جنبش مسالمت‌آمیز کرده و بر صلح پافشاری کرده بودند. طی حدود ۱۰ سال، شاید کسی دست به پرتاب مولوتف یا شلیک گلوله زده باشد، اما این اقدامی فردی بوده و جنبش بحرین، ذاتاً جنبشی مردمی بوده است. اما فرصتی پیش نیامد که نظرم را بیان کنم، شدیداً سرکوب شد، زیرا رهبران معارضان یا در خارج بودند یا در زندان‌ها. بسیار خوب، آیا این دلیلی برای نومییدی می‌شود؟ نه، درنهایت، مردم بحرین به حقوق خود و به مسائل خود و به شعارهایی که در برخی مناسبت‌ها سر می‌دهند، پایبند هستند.

احیاناً می‌بینید که آن‌ها با وجود اقدامات سرکوبگرانه و حضور نیروهای پلیس و کشتار و زندان و شکنجه در خیابان‌ها حضور پیدا می‌کنند. در مناسبت‌هایی مانند همبستگی با ملت فلسطین و همبستگی با ملت یمن، به خیابان‌ها می‌آیند و متحد می‌شوند و جان خود را به خطر می‌اندازند. مانند موضوع مخالفت با عادی‌سازی روابط با اسرائیل، وقتی که صهیونیست‌ها به منامه آمدند، گروهی به خیابان‌ها آمدند و مخالفت خود را با عادی‌سازی اعلام کردند. من معتقدم که اکثر ملت بحرین اصرار دارند که این راه را ادامه دهند، اما شیوه بیان اعتراض و تحرکات آنان و وسایلی که استفاده می‌کنند، بستگی به شرایط سیاسی و امنیتی و تحولات فعلی دارد. اما مساله مهم‌تر، عزم و اراده است و تصمیمی که همچنان به قوت خود باقی است.

العالم: جناب سید حسن نصرالله، من واقعا از شما تشکر می‌کنم که این فرصت را برای این گفتگوی جامع در اختیار ما قرار دادید. شما را خسته کردیم، خیلی از شما تشکر می‌کنم. بینندگان عزیز از شما هم تشکر می‌کنم که ما را همراهی کردید.

پیاده شده توسط سایت فارسی شبکه العالم

<https://fa.alalam.ir/news/۶۰۳۴۲۸۸/>